

خانم دکتر طلعت لہاریا = قلم

منزل ۹۳۱۵-۴۷۲-۹۷۳

## پیام بیخ

بیست و ششمین سال

می - جون ۲۰۰۸

شماره ۳۰۱-۳۰۰



اعضاء محفل روحانی ملی جدید ویتنام

# پیام بدیع

سال بیست و ششم  
شماره‌های ۳۰۱ - ۳۰۰

سال ۱۶۵ بدیع  
۱۳۸۷ شمسی

می - جون  
۲۰۰۸

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	لوح مبارک
۳	ترجمه پیام بیت العدل اعظم
۶	ترجمه دست خط بیت العدل اعظم
۸	ترجمه پیام محفل ملی آمریکا
۱۰	قصیده در عید مبعث
۱۲	دلبر یگانه (شعر)
۱۳	خدا
۱۶	ظهور حضرت بهاءالله
۲۳	کتاب مفاوضات چگونه پدید آمد
۲۹	خاطرات جناب دکتر یوگو جیگری
۳۲	تو عبدالبهائی و محبوب ما (شعر)
۳۳	سخنی کوتاه
۳۴	نگاهی به گذشته
۳۵	ملکوت الله
۳۸	اهنگ حیات اجتماعی
۴۲	در تداوم ایمان
۴۵	عشق (شعر)
۴۶	سیر موسیقی در ایران
۴۸	فلسفه اعداد و حرمت و تقدیس اعداد
۵۰	بودا باوری در ایران
۵۳	یادی از گذشته های خوش
۵۷	نخستین ها
۶۰	معرفی کتاب

## سرایان      جناب آقا میرزا حسن علیه‌الیه الابهی

ای دوست حقیقی چندی است که آهنگ جنگ بلند است و شرق و غرب میدان سپاه تیز جنگ، از هر طرف درندگان جولانی می‌نمایند و در هر اقلیمی خونخواران تیزی دندان می‌آزمایند عالم انسانی که تماشاخانه فضائل رحمانی است باز یخانه گرگان درنده گردیده با وجود این بر زبان میرانند که حرکت اسلاف وحشیانه بود و جنبش اخلاف متمدنانه این مدنیت مجعوله که مانند سراب است چون بصورت نگری ترقی مادی بینی و چون بحقیقت نظر نمائی تدنی اخلاقی یابی با وجود این عقول ضعیفه را ربوده و نفوس سخیفه را اقناع نموده و حال آنکه مدنیت آنست که سبب شرف عالم انسانی گردد و میدان ظهور و بروز فضائل رحمانی شود این هیئت اجتماعی نیست این پریشانی خاطر جمهور انسانیت مدنیت الهیه مقبول و محبوب است که سبب جمعیت قلوب گردد و علت تهذیب اخلاق نفوس شود سوحات رحمانیه نمودار گردد و فیوضات وجدانیه جلوه کند ملل و امم متحاربه را متحابه کند و دول متقاتله را مرایای متقابله نماید بیگانه را آشنا کند دشمن را دوست نماید دور را نزدیک فرماید ترک و تاجیک را دست در آغوش یکدیگر نماید آسیا و امریک را همدم و همراز نماید و اروپ و افریک را هم نغمه و هم آواز کند این است مدنیت حقیقی نه آنکه ایجاد مدافع کروپ کند و سبب اضطراب قلوب گردد و اختراع آلات جنگ جدید کند و سفائن مدرعه محوآصه در دریا براند و طیاره زبلین پراکنده بر روی زمین نماید یا که سبب خسران مبین گردد سبحان الله چون گرگ تیز جنگ بحنگند و ادعای شبانی کنند و مانند سباع ضاربه یکدیگر بدرند و نمایش عالم انسانی خواهند و بس ما هم یظنون شما که یاران الهی هستید و مظاهر فیض رحمانی باید این زخم را مرهم گردید و این درد را درمان شوید و علیک التحیته والثناء

ارسالی جناب آقای میثاق معانی

## هو الله

ای طوطی شکر شکن      مخمس بلیغ در این انجمن تلاوت گردید نغمه  
 بلبل معانی بود و رتبه حمامه ملکوتی قلوب یاران را مورث سرور بود و جان  
 دوستان را باعث روح و ریحان این طبع روان را وقف ستایش و نیایش حضرت  
 رحمان کن محامد و نعوت در مدح ملیک ملک و ملکوت مانند لئالی لئلا  
 بسلیک نظم آر و باهنگ رحمانی آغاز ساز و آواز کن و آن قصائد و نعوت را  
 تلاوت نما تا ملا اعلی بوجد و طرب آیند و اهل ملکوت ابهی تحسین نمایند.

و علیک الیها، الیہی ع ع



## ترجمه‌ای از پیام ۱۳ مه ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران

گرفته شده از مجله پیام بهائی شماره ۳۴۳

این ترجمه رسمی نیست ولی برای آنکه هر چه زودتر به نظر خوانندگان عزیز برسد آن را در این شماره درج می‌کنیم.

یاران عزیز و محبوب

در نیم روز یوم دوم مه، دهمین انجمن شور روحانی بین المللی اختتام یافت. همان روز بعد از ظهر، قریب یک هزار نفر و کلای انجمن شور از متجاوز از ۱۵۰ کشور جهان، همراه با مشاورین قاره‌ای و احبای خادم مرکز جهانی، در بهجی اجتماع کردند تا یوم دوازدهم رضوان را گرامی بدارند و ادعیه شکرانه برای مواهبی که نصیب آنها شده بود زیارت نمایند. جمیع نفوس حاضر در آن شش یوم مسرت بخش و مشحون از مواهب به اهمیت این اجتماع پی بردند. اینکه در زمانی چنین پر تلاطم در صحنه جهانی چنین اجتماعی که مظهر عالم انسانی است بتواند در ارض اقدس گرد آید و هدفی چنین مقدس را تحقق بخشد، فی الحقیقه، توفیقی با اهمیتی خارق العاده بود.

و کلای انجمن، بعد از وصول به اینجا، فرصتی یافتند که ارواح خویش را در اراضی حول اعتاب مقدسه طراوت و لطافتی بخشند و خود را برای ایفای مسئولیت سنگین انتخاب اعضا، بیت العدل اعظم مهیا سازند. در طول چند روز بعد، آنها در پنج جلسه مشورتی که بر پیشرفت نقشه جهانی فعلی متمرکز بود شرکت نمودند. توجه به کثرت تجربه‌ای که آنها در مباحثات وارد ساختند و وحدت تفکری که وجه متمایز اظهاراتی بود که مطرح می‌شد، منبعی از

الهام مسرت بود. مشارکت آنها در مشاورات نیز منبعت از مطالعه سندی بود که دارالتبلیغ بین المللی تحت عنوان « وصول به پویایی رشد: با راقه هایی از قارات خمسه » تهیه کرده بودند همانطوریکه عنوان آن نشان می دهد، این سند از منظر تاریخی به توصیف مجهوداتی می پردازد که برای تأسیس برنامه های فشرده رشد در نقاط مختلف کره ارض مبذول می شود. مهم تر از همه، این نشان دهنده آن است که جریان یاد گیری که سبب پیشرفت می شود در سطح جهانی در حال شتاب گرفتن است. امیدواریم که این مبنایی برای بحث های بیشتر در انجمن های شور ملی باشد که بزودی منعقد خواهند شد.

موقعی که وکلای انجمن در حال ترک مرکز جهانی بودند، مؤتمر هیأت - های مشاورین قاره ای افتتاح شد. مطالعاتی که توسط این صاحب منصبان عالیترتبه امر الهی در سراسر جلسه صورت گرفت بیش از پیش بر ثمر بخشی تدابیری که برای ترویج و تحکیم امر الهی در دست اجرا است صحه گذاشت. حال که وارد سومین سال نقشه پنج ساله می شویم، در کمال مسرت اعلام می کنیم که تعداد برنامه های فشرده رشد که در دست اجراست از مرز ۶۰۰ گذشته است. اما این موقعیت هر قدر که اثر گذار باشد، در مقابل آنچه که هنوز باید حاصل شود رنگ می بازد. توصیه می کنیم که همه باهم، نقطه تمرکز خود را حفظ، عزمتان را جزم و با اراده ای مصمم و حتی قوی تر برای پیشبرد امر تبلیغ قیام نمائید.

بیت العدل اعظم

پیام بیت العدل اعظم الهی در مورد صعود جناب دکتر مهدی سمندری  
در شماره آینده.....



از راست به چپ  
جنابان گوستاو کوریت، شهریار رضوی، پیمان مهاجر، پاول لامیل، فریدون جواهری،  
هودردانبار، پیتر خان، کایزر بارنز، فرزاد ارباب

## دستخط های بیت العدل اعظم الهی

خطاب به احبای عزیز ایران

خلاصه ترجمه ای از پیام رضوان ۲۰۰۸

۳ شهر العظمه ۱۶۵، ۱۹ می ۲۰۰۸، احبای مظلوم و با وفای جمال

اقدس ابهی در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

دستگیری اخیر اعضای محترم هیئت مجلله یاران نشانه دیگری است از غفلت مسئولین امور از حرکت قوای روحانی‌های که می‌تواند موجب عظمت آن خطه مبارک گردد. این غفلت سبب شده است که دولت ایران جمعی از با وفا ترین، با کفایت ترین و بی گناه ترین شهروندان خود را در نهایت بی انصافی و بدون هیچ دلیل موجهی مورد تحقیر و جور و ستم قرار دهد. البته شما عزیزان به خوبی واقفید که ید غیبی الهی در کار است، جمیع امور در قبضه قدرت اوست و آنچه می‌گذرد جزئی از نقشه های حیات بخش او است که ممد تأسیس مدنیت ملکوتی و تحقق نهایی رفاه عالم انسانی است. لذا از اشتعال نار امتحان و افتنان در عالم امکان هراسی ندارید و بر امر حضرت یزدان ثابت و استوارید. اضطراب و پریشانی به خود راه نمی‌دهید و سخت ترین حوادث عالم تزلزلی در قلوب شما ایجاد نمی‌نماید. مانند کوه مستقیمید و بمثابه نجوم بازغه در تلالو و حتی در تلاطمات فعلی ثابتاً راسخاً در کمال حکمت به انجام وظیفه روحانی خود مشغولید. چون سراج منیر در مجامع توحید پرتو افکنید و هم گام با دیگر هم وطنان روشن ضمیرتان در احیای ایران عزیز و ارتقای آن به مقام محترم ترین ممالک عالم کوشا هستید تا آن سر زمین مقدس مایه مباهات جهانیان و مورد ستایش و غبطه عالمیان گردد.

به نزول تأییدات آسمانی مطمئن باشید، تعالیم الهی را همیشه مد نظر

قرار دهید و در موارد لزوم برای مشورت و کسب هدایت به جمع خادمین توجه نمایید. در اعتاب مقدسه علیا به یاد شما هستیم و حفظ و صیانت و موفقیت شما عزیزان را ملتزمیم و از آستان مبارکش تمنا می کنیم که « امرار اعدل و علما را انصاف » عنایت فرماید و این جور و جفا را به صلح و صفا مبدل نماید. بیت العدل اعظم



نشسته از راست به چپ: سعید رضائی، بهروز توکلی  
ایستاده از راست به چپ مهوش ثابت، عقیف نعیمی، جمال الدین خان جانی،  
وحید تیز فهم و فریبا کمال آبادی

این دستگیری های مرگبار عملیات سال های دهه ۱۹۸۰ را بیاد می آورد. دستگیری یاران ایران باز تاب بسیار وسیعی در سطح جهانی داشته است ولی متأسفانه روز بیستم ماه می آقای غلامحسین الهامی سخن گوی رسمی دولت جمهوری اسلامی در علت دستگیری این عده گفت اینها گروهی هستند بر علیه منافع کشور اقدام نموده اند و با خارجی ها و صهیونیست ها ارتباط داشته اند که بطور وضوح بر همه عیان است که دلیل اصلی این باز داشت ها بهائی بودن این گروه است. نه چنین اتهام سخیفی زیرا بهائیان هیچ گونه دخالتی در امور سیاسی نداشته و ندارند.

ترجمه پیام محفل روحانی ملی به تاریخ ۲۹ آپریل ۲۰۰۸ خطاب به کلیه محافل روحانی محلی  
دوستان عزیز بهائی،

محفل روحانی ملی امروز به همراه دیگر محافل ملی جهان با انتخاب  
اعضای بیت العدل اعظم الهی به ایفای وظیفه مقدس خود خواهد پرداخت. آن  
دیوان ایزدی که تأسیسش را حضرت بهاء الله بِنَفْسِهِ الْمُقَدَّسِ، مقرر فرموده،  
مسئولیت هدایت سفینه امر الهی را به مقصد موعود آن، بر عهده دارد. بی تردید،  
وَرای تاب و توان محدود ماست که قوای روحانی مودعه در بیت العدل اعظم  
را درک نمائیم و یا نفوذ و تأثیر آن را در جهان دریابیم. آنچه از دست اهل بها  
ساخته است اینکه اوقات حیات خود را برای ایفای وظایفی که معهد اعلی در هر  
یک از مراحل پیشرفت امر مبارک بر عهده آنان نهاده، وقف نمایند و با دل و  
جان جهت تحقق نقشه ها و اهدافی که با الهام الهی بر اهل بها عرضه شده  
بکوشند.

در این موقع خطیر و مقدس، فکر و ذکر این جمع با مهر و سپاس، متوجه  
آن عزیزان است. آن یاران، به عنوان اعضای محافل روحانی، مسئولیت عظیم و  
خطیری برای سعادت معنوی جوامع خود بر عهده دارند. این وظیفه تنها شامل  
افراد احباء نمی گردد، بلکه کسانی را که مهر محبوب عالم را هنوز به دل  
نگرفته اند نیز، در بر می گیرد. امن ترین راه و روش برای ایفای وظایف خطیری  
که آن عزیزان بر عهده دارند، اجرای نقشه های بیت العدل اعظم است. عطف  
توجه تام به نقشه های مذکور و تمرکز بر اجرای آن، از یک سو رشد جامعه  
بهائی را تأمین می نماید و از سوی دیگر ضامن افزایش قابلیت آن عزیزان می شود  
که به پرورش نمونه وحدت بخش و الگوی ممتاز حیات بهائی که در واقع هدف  
غائی شان است دست یابند.

در دو سال اول نقشه پنج ساله، شاهد موفقیت های شگفت انگیزی در این

دیار بوده ایم.

شمار محدودده هایی ( کلاستر ) که برنامه فشرده رشد دارند، از سال گذشته تا به حال، بیش از دو برابر شده و از ۴۲ به ۹۰ محدودده بالغ گردیده است. تعداد تازه تسجیلان نیز نسبت به سال پیش ۶۰ درصد افزایش داشته است. هر جا پیشرفت چشمگیری حاصل شده، محافل روحانی محلی سهمی بسزا در تشویق احباء و حمایت آنان داشته اند. جهت این خدمت. از آن عزیزان سپاسگزاریم. احباء در هر محدودده ای باشند در باره رهبری موفقیت آمیز از جانب محافل روحانی محلی آگاهی می یابند. در سالهای آینده فرصت های بی - سابقه ای به دست خواهد آمد که این قابلیت، با تسریع ورود محافل روحانی به میدان خدمت، افزایش یابد.

بیت العدل اعظم الهی راه ها و شیوه هایی را که باید آن عزیزان برای حمایت نقشه پنج ساله برگزینند، تشریح فرموده اند. این راه ها در مرقومه های این محفل نیز تأکید و تکرار شده است.

مرقومه های مذکور به تاریخ ۱۴ اگست سال ۲۰۰۷ و نیز ۲۰ فوریه سال جاری، در پایگاه اینترنتی محلی ([www.usbnc.org](http://www.usbnc.org)) موجود و در دسترس یاران است. امید است آن خادمان عزیز، نامه های مذکور را دوباره مطالعه فرمایند و با عزم و نیرویی تازه تعهد نمایند که چنان به اجرای آن قیام کنند که پیشینیان در برابر آن رنگ ببارند.

همکاران عزیز، در آستان الهی سر تعظیم فرود آورده، و به نیابت از جانب آن یاران، از جمال قدم طلب عون و صون و تأیید و توفیق نموده ایم. باشد که آن خادمان الهی و نیز نفوسی که به خدمتشان برخاسته اید، به اوج روحانیتی عروج نمایند که جمال قدم در کلام بلند خویش آنان را چنین توصیف فرموده: *شمائید آنجم عرفان و نسائم سحرگاهان. شمائید میاه جاریه که حیات کل متعلق به آن است و شمائید آحرف کتاب.*

با مهر و محبت عمیق محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

منشی محفل: کنت ای باورز

رونوشت: مشاورین قاره ای ساکن ایالات متحده - شوراهای منطقه ای بهائی

جناب بصّار (از قوما)

۱-۲

## قصیده در عید مبعث حضرت اعلی و مولود حضرت عبدالبهاء

شب عید ظهور ربّ اعلی شد چه زیبا شد

شب مولود غصن پاک ابهی شد چه زیبا شد

سپهر از نور آن مبعوث یکسر گشت نورانی

جهان از یمن این مولود احیا شد چه زیبا شد

نه چشمی دیدونه گوشی شنید این طرفه از گیتی

که در یک شب دو خورشید آشکارا شد چه زیبا شد

یکی در اول شب شمس وجه نقطه اولی

سحر مهر جمال غصن پیدا شد چه زیبا شد

از آن مبعوث در امکان عیان شد محشری کبری

ازین مولود گیتی پر ز غوغا شد چه زیبا شد

از آن مبعوث دوران روح بدعی یافت در پیکر

از این مولود عالم غرق آلا شد چه زیبا شد

شب پنج جمادی نخستین شد ظهور حق

ز غیرا بانگ بشری بر ثریا شد چه زیبا شد

شدند از نفخه صور ظهورش عالیان اسفل

ز نفخ دیگر او اسفل اعلی شد چه زیبا شد

زمین تا آسمان یک سر بشارات الهی بین

چو از روی مبشر پرده بالا شد چه زیبا شد

چو از خلف حجاب غیب انوارش تجلی زد

جهات سته یک سر طور سینا شد چه زیبا شد

۲-۲

همان قائم که موعود از خدا بوده است شد ظاهر

همان محشر که می گفتند برپا شد چه زیبا شد

دو نیر از افق سرزد یکی شد مظهر یزدان

یکی عبد بها، بر جمله مولی شد چه زیبا شد

از آن یک محفل جانها منور گشت چون بیضا

ازین یک گلشن دلها مصفی شد چه زیبا شد

ز نور آن مزین بر و بحر و گلشن و صحرا

ز فیض این جهان پیر برنا شد چه زیبا شد

یکی از لعل نوشین طعنه بر تنیم و کوثر زد

یکی از سرو قامت رشک طوبی شد چه زیبا شد

قدم بنهاد سرّ الله تا بر عرصه خاکی

همه عالم پر از روح مسیحا شد چه زیبا شد

جمال غصن اعظم تا هویدا گشت در امکان

و جودش زینت دنیا و عقبی شد چه زیبا شد

تولد یافت چون سرّ الهی امر ابهی را

هر آن سری که مکنون بود افشا شد چه زیبا شد

به مدح مظهر داور به نعت غصن یزدانفر

مرا طبع روان از شوق گویا شد چه زیبا شد

بلند از خامه بصّار در این نظم جان پرور

صدای احسن از این چرخ میناشد چه زیبا شد

جناب نصرالله عرفانی

## دلبر یگانه

شد نور تو وجهه‌زمانه	ای باب، شکوه جاودانه
چون آتش طور ز دزبانه	نورت ز عوالم الهی
وی منبع فضل بی کرانه	ای مظهر عشق و شوق و تقدیس
وی عشق شده ز تو فسانه	ای مکتب تو کمال پرور
لیک بگفت عاشقانه	بشرویه چو دید فضل جودت
ای دوست ترا به یک نشانه	نا دیده شناخت قره العین
مردانه وش و قلندرانه	جان داد به راه تو سلیمان
گل‌های امید زد جوانه	از تربت تو فروز قدوس
واصل به تو گشت جاودانه	ای خوش به سعادت ز نوزی
می خواند ز شوق این ترانه	عرفان به نوای شور و شهناز
بر سینه دلبر یگانه	عاشق نشنیده ام که جان داد

جناب دکتر - م - مشرف زاده

## خدا

### ۱ - بهائیان خدا پرستند

اهل بهاء همانند سایر ادیان بوجود خدا معتقدند و اعتقاد بخدا و "توحید" پایه و اساس دیانت بهائی است. یکتا پرستی و یزدان دوستی شالوده اصلی بهائیت است و تجاوز و انحراف از آن بقدر سر موئی جائز نیست.

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"سر هر داستان نام یزدان است. ای دوستان یزدان آواز یکتا خداوند بی نیاز را بگوش جان بشنوید تا شما را از بند گرفتاری هاو تیره گی ها آزاد فرماید و بروشنائی پاینده رساند..."

(مجموعه الواح مبارکه صفحه ۲۴۷)

و باز می فرمایند:

"به نام یکتا خداوند بی همتا. ستایش پاک یزدان را سزااست که به خودی خود زنده و پاینده بوده. هر نابودی از بود او پدیدار شده و هر هستی از هستی او نمودار گشته." (مجموعه الواح مبارکه صفحه ۲۵۷)

و باز می فرمایند:

"به نام خداوند یکتا ستایش بیننده پاینده ای را سزااست به شبمی از دریای بخشش خود آسمان هستی را بلند نمود و به ستاره های دانائی بیاراست و مردمان را به بارگاه بلند بینش و دانش راه داد... اوست داننده و بخشنده و اوست پاک و پاکیزه از هر گفته و شنیده. بینائی و دانائی گفتار و کردار را دست از دامن شناسائی او کوتاه. هستی و آنچه از او هویدا این گفتار را گواه... همه نام ها نام او و آغاز و انجام کارها به او ... (مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۹)

در نظر بهائیان خداوند خالق زمین و آسمان است. او پدید آورنده عالم هستی است. آنچه بوده و هست و خواهد بود در دست توانای اوست، از ره

بخشش و خرد جهان و آنچه را که در آنست بوجود آورده و دگر گونی ها و تکامل موجودات را نیز به خواست و اراده خود قرار فرموده. حضرت بهاء الله در مقام دعا می فرمایند:

”تویی آن سلطانی که بیک کلمه ات وجود موجود گشت و تویی آن کریمی که اعمال بندگان بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت .....“  
(ادعیه حضرت محبوب صفحه ۲۱۹)

باز می فرمایند:

”شهادت می دهم به وحدانیت و فردانیت تو و به این که از برای تو شبه و مثلی نبوده و نیست. جودت عالم وجود را موجود فرمود و کرمت امم را به اسم اعظم راه نمود.....“ (ادعیه حضرت محبوب صفحه ۲۳۴)

حضرت عبدالبهاء نیز در مقام مناجات با بیانی شیرین چنین می فرمایند:

”ای خداوند بخشنده کوکب بخشایش بر جهان آفرینش درخشیده و دریای احسانت مواج بر کائنات گشته ابر رحمت در میان است و نار محبت در فوران. باغبان احدیت در خیابانهای دلها به طراحی گلهای معارف پرداخته و طراوت و لطافت بی نهایت یافته. نسیم حدیقه وحدانیت جهان را زنده نموده و پرتو آفتاب موهبت قلوب دوستان را منور فرموده. جام صهبای محبت عاشقان را سرمست کرده و آهنگ بدیع ملکوت ذرات کائنات را به جوشش و حرکت آورده. از هر سمتی صوت تهلیل و تکبیر بلند است و از هر کرانه ای آهنگ تسبیح و تقدیس مرتفع. از هر گوشه ای شور و ولوله ای و در هر بیشه ای نعره پر اندیشه ای در هر حدیقه ای طیور ملکوت در نغمه و آواز و در هر گلشنی بلبل توحیدت به بانگ معنوی دمساز. آفاق در اهتزاز است و اقمار به صیت و آوازت دمساز و ذرات وجود در اوج موهبتت در پرواز...“ (مناجات های حضرت عبدالبهاء چاپ بمبئی)

۲ - خدا را به درستی نمی توان شناخت :

پایه علم و دانش تا بدانجاست که بدانیم خدا وجود دارد ولیکن در جواب

سؤال خدا چیست همه فرو مانده‌اند زیرا ما ساخته دست او هستیم و همانطوری که نقش و تصویر نمی‌تواند پی به وجود نقاش ببرد ما نیز نخواهیم توانست هستی آفریننده خود را به درستی بشناسیم. صندلی هرگز نخواهد توانست که هستی نجار را درک کند. باید اقرار کنیم که "به‌کنه ذاتش خرد برد پی اگر رسد خس به قعر دریا."

حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

"شهادت می‌دهم که تو به وصف ممکنات معروف نشوی و به اذکار موجودات موصوف نکردي ادراکات عالم و عقول امم بساحت قدست علی ما ینبغی راه نیاید و پی نبرد...." (ادعیه حضرت محبوب صفحه ۲۲۰)

و باز می‌فرماید:

"شهادت می‌دهد جان و روان و لسان به اینکه واحد بوده‌ای و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود. جمیع السن از وصفت عاجز و قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود...." (ادعیه حضرت محبوب صفحه ۲۲۱)

حضرت عبدالبهاء در مقام مناجات می‌فرماید:

"چگونه زبان به ستایشت گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این امر عسیر، زبان آلتی است مرکب از عناصر. صوت و بیان عرضی است از عوارض، به آلت عنصری و صوت عارضی چگونه توان نعمت و ستایش حضرت بی چون گفت. آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم بشری، نتایج فکریه چگونه به معارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به لعاب ظنون و اوهام برد صرف تقدیس تند جز بیان عجز چاره‌ای نه و به غیر از اعتراف به قصور بهانه‌ای نیست.

تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل جهان ....."

(مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، جلد ۱ صفحه ۸۲)

جناب محمد علی فیضی اعلیٰ الله مقامه

## ظهور حضرت بهاء الله

به مناسبت صعود حضرت بهاء الله جلّت عظمته در هفتادم نو روز (۸ خرداد) با اعلان امر اقدس حضرت بهاء الله جمیع اخبار کتب مقدسه انبیاء و اولیاء الهی تحقق یافت و اسرار صحف الهیه **لَا سَحْ** گردید. در دیانت باستانی هندوستان اعتقاد عموم فرقه های مذهبی آنست که ظهور عظیمی بنام کالیگی اوتار که رجعت کرشنا می دانند هر وقت ظاهر شود بر اسب سفیدی سوار است و شمشیری در دست دارد و صلح و امنیت را در تمام دنیا بر پا خواهد کرد و در کتاب گیتا چنین مذکور است: (وقتی که بنیاد دین سست می شود و تعالیمش زیر و رو می گردد من (یعنی خدا) در جامعه انسانی ظاهر می شوم و مرتب عالم انسانی هستم تا بی دینی را زائل نموده و اساس دین را استوار سازم و در دیانت مزدیسنی یعنی حضرت زردشت پیامبر باستانی ایران بسه موعود وعده داده شده است. که هر یک از موعود های سه گانه هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانس در موعود معین ظاهر خواهد شد و محل ظهور را مشرق زمین دانسته اند و علامت ظهور هر یک را باین طریق بیان داشته اند: زمانیکه هوشیدر یا بعرضه ظهور می گذارد خورشید بمدت ده شبانه روز در وسط آسمان غیر متحرک خواهد ایستاد و بهفت کشور روی زمین فروغ خواهد پاشید و در ظهور هوشیدر ماه خورشید بیست شبانه روز در میان آسمان غیر متحرک خواهد ایستاد و در ظهور سوم سوشیانس که آفریده آهورا مزداست چون به سن سی سالگی رسد بر گزیده خواهد شد و آفتاب در وسط آسمان غیر متحرک مانده و به عالمیان ظهور سوشیانس بشارت داده خواهد شد. بدیهی است این گونه علامات و بشارات تغییر و تفسیر عرفانی دارد تا منطبق با علم و عقل گردد والا بر حسب ظاهر غیر متحرک بودن

آفتاب در وسط آسمان معنی و مظهري نخواهد داشت.

حضرت عبدالبهاء در لوحی بافتخار یکی از احبای زردشتی می فرماید: ( در خصوص توقف آفتاب مرقوم نموده بودی که در کتاب زردشتیان مرقوم است که در آخر دوره مقرر است که این توقف در سه ظهور واقع گردد در ظهور اول ده روز آفتاب در وسط آسمان توقف نماید در ظهور ثانی بیست روز در ثالث سی روز. بدانکه ظهور اول در این خبر ظهور حضرت رسول است که شمس حقیقت در آن برج ده روز استقرار داشت و هر روز عبارت از یک قرن است و آن صد سال به این حساب هزار سال می شود و آن دور و کور محمدی بود که بعد از غروب نجوم امامت تا ظهور حضرت اعلی هزار سال است و ظهور ثانی ظهور نقطه اولی روحی له الفداء که شمس حقیقت و در آن دور بیست سال در آن نقطه استقرار داشت بدایتش سته شصت هجری بود و نهایتش سته هشتاد و در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج الهی که خانه شمس است طلوع و اشراق فرمود مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدت استقرار آفتاب است در یک برج تمام لهذا استقرارش بسیار (اقالاً) پانصد هزار سال.)

حضرات بودائی ها عقیده دارند که گوتاما بودای چهارم است و او خود وعده داده است که قریباً تجلی اولوهیت در انسان کاملی بنام میتراکه بودای پنجم و بودای محبت و اخوت و صلح جهانی است خواهد شد که او در یوم آخر قیام خواهد نمود و جهانیان را بصلح و وحدت عالم بشری دعوت خواهد نمود و عظمت لانهایه خویش را ظاهر خواهد ساخت.

در تمام کتب مقدسه بعد از بیان معرفت الله و وضع احکام تذکر باحوالات پیشینیان اکثراً بشارت بفرارسیدن یک روز بزرگ و ظاهر شدن یک شخصیتی روحانی داده شده که برسیدن آنروز و ظهور آن بزرگوار جمیع اختلافات بشر از جمله اختلافات نژادی - مذهبی - ملی و غیره رفع شده و همه اقوام و ملل در زیر سرپرده وحدت و یگانگی در ظل یک دین و آئین در خواهند آمد و

بساط جنگ و جدال بر چیده شده و خیمه صلح و سلام افراشته خواهد شد و بشر آلات جنگ و جدال را مبدل باسباب کار و زراعت خواهند نمود و ملکوت الهی بر ارض مستقر خواهد گردید و آن روز عظیم را (یوم الله) و آن ظهور مبارک را (ظهور الله) نامیده اند.

در فصل ۳۳ در سفر تثئیه تورات چنین می فرمایند: ( خداوند بر آمد از سینا و تجلی فرمود ساعیر و درخشید از فاران و ظهور خواهد فرمود با هزار هزار مقدسین و از بیمپیش شریعت آتشین بایشان خواهد رسید) یعنی خداوند در بریه سینا بر حضرت موسی تجلی کرد و به انوارش عالم را روشن نمود و در ساعیر که محلی است در فلسطین بر حضرت مسیح جلوه نمود و نعمات روح بخش عیسوی جهان را زنده کرد و از فاران که در عربستان است به بعثت حضرت محمد عالم را منور فرمود و ظاهر خواهد شد با هزار هزار مقدسین تابه شریعت آتشین جهان را از اختلافات نجات بخشد).

و در فصل ۲ کتاب اشعیاء نبی چنین می فرماید: (و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خداوند بر قله کوه ها ثابت خواهد شد و فوق ملت ها بر افراشته گردید و جمیع امت ها به سوی آن روان خواهند شد و قومهای بسیار عزیزت کرده خواهند گفت بیائید تا بکوه خداوندو به خانه خدای یعقوب بر آئیم تا طریق های خویش را بما تعلیم دهدو براه های وی سلوک نمائیم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امت ها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را روی گاو آهن و نیزه های خویش را برای آره ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند موخت)

و در فصل یازدهم کتاب اشعیاء نبی چنین می فرماید: ( و نهالی از تنه یسی بیرون آمده شاخه از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود

داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش های خویش تنبیه نخواهد نمود بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهند کرد و بجهت مظلومان زمین برآستی حکم خواهد نمود و جهان را بعضای دهان خویش زده شیران را به لعل های خواهد کشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهند داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر بمثل گاوگاه خواهد خورد و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و از شیر باز داشته شده و دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهد کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد مثل آبهایی که دریا را می پوشاند).

و در باب ۲۳ انجیل متی حضرت مسیح می فرماید: (اینرا به شما می گویم ازین پس مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارک است او که بنام خداوند می آید). و در باب ۱۴ انجیل یوحنا می فرمایند: (بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت زیرا که رئیس این جهان می آید و در من چیزی ندارد).

و در قرآن شریف سوره النبأ آیه ۳۸ می فرماید: (یوم یقوم الروح و الملائکة صفاً لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صواباً ذلک الیوم الحق فمن شاء اتخذ الی ربه ما یا).

در سوره ق آیه ۴۰ می فرماید: (وَأَسْمَعُ یوم ینادی المُنَاد من مکان قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج).

و بجزد رسورة الزمر آیه ۴۸ می فرمایند وَنُفَخَ فی الصور فَصَعَقَ من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله ثم نُفَخَ فیهِ اُخری فاذا هم قیام ینظرون و آشرفت الارض بنور ربها و وضع الكتاب و حی بالنمیمین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون).

ایام حیات مبارک حضرت بهاءالله به چهار مرحله تقسیم می شود.

مرحله اول - دوره بیست و هفت ساله ایست که آن وجود مقدس از یک زندگانی مرفه و پر آسایشی که لازمه یک خاندان بزرگ و صاحب ثروت است کاملاً بر خوردار بودند و در این دوران توجه مبارک بدستگیری فقرا و اعانت مرضی و حمایت و سرپرستی ملهوفین و محتاجین معطوف بود.

مرحله دوم - دوره نه ساله ایست که بعنوان یک فرد بابتی ممتاز و مشخص در خدمت بامر حضرت باب و تبلیغ و اعلاء کلمه آن حضرت مصروف گردید.

مرحله سوم - ایام سیاه چال و زندان چهارماهه طهران است که آن هیکل اطهر را بمخاطره عظیمه گرفتار و باحزان و آلام شدید مبتلا ساخت و چون بانتهی رسید با ظهور قوای ساریه فائزه خلاقه که نتیجه اشراق تجلیات الهی و سطوع انوار یزدانی بود مُخلد و جاودان گردید.

مرحله چهارم - هجرت و عزیمت ناگهانی آن حضرت که از موطن اصلی بمعیت جمعی از متعلقین و بستگان مبارک بعمل آمد. به بغداد و از آن جاپس از مدتی باسلامبول و بعد از چهار ماه بادرنه و بعد از پنج سال و اندی در آنجا بعکا و سجن اعظم و بالاخره صعود مبارک در آن مدینه واقع گردید.

حضرت بهاءالله از طرف مادر به یکی از اولاد های قطوره عیال دوم حضرت ابراهیم می رسد و از طرف پدر به آخرین پادشاه ساسانی یزدگرد سوم.

پدر آن حضرت جناب میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ نوری از رجال و دبیران ذیجاه و منزلت عصر سلطنت فتحعلی شاه و محمد شاه بودند و در سن ۲۷ سالگی بودند که جناب ملاحسین باب الباب آثار و آیات مبارک حضرت اعلی را بوسیله ملا محمد معلم نوری تقدیم نمود و آن حضرت پس از ملاحظه قسمتی از آن آیات را به صورت بلند تلاوت نموده و به جناب میرزا موسی فرمودند موسی چه می گوئی؟ هر کس که به آسمانی بودن قرآن معتقد است مجال را دو بار این آیات را ندارد والا به ضلالت و گمراهی خواهد افتاد و سپس ملاحسین را مورد اکرام و انعام خود قرار دادند و از آن به بعد به نشر

آثار و دعوت حضرت باب پرداختند و مسافرتی به مازندران که مسکن اصلی آباء و اجدادی آن حضرت بود عزیمت نمودند. در این موقع مجتهد معروف آن حدود میرزا محمد تقی فوت نموده و ملا محمد جانشین او گردیده بود خواستند با او صحبت نموده و امر را ابلاغ نمایند و حاضر نشد و دو نفر از شاگردان او منجذب گشته ایمان آوردند و خبر ایمان این دو نفر به سرعت در صفحات مازندران انتشار یافت و جمع کثیری ایمان آوردند و اولین محبوسیت آن حضرت در قضیه قتل حاج ملا تقی قزوینی عموی قره العین در قزوین به دست ملا عبدالله شیرازی معروف به میرزا صالح اتفاق افتاد و پنج نفر از مؤمنین را به طهران آوردند و حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم میرزا صالح را به میرزا محمد شفیع صاحب دیوان سپرد و تأکید نمود که او را در منزل خود نگاه دارد و سایرین را به دست محمود خان کلانتر نوری سپرد که در بند نموده محبوس بدارد و حضرت بهاء الله در این موقع نهایت مساعدت را به محبوسین فرمودند و مأمورین زندان را انعام وافر می دادند که با زندانیان خوش رفتاری نموده آزار نرسانند کلانتر به طمع زیاد اولیای امور را از کمک آن حضرت نسبت به مظلومین مطلع نمود و آن حضرت را چند روزی در حبس انداختند ولی میرزا آقاخان وزیر لشکر و برادرش جعفر قلی خان و صاحب دیوان برای استخلاص اقدام نمودند و بالاخره آن حضرت را آزاد ساختند.

در این موقع حادثه قتل ملا تقی هیجان عظیمی برپا نمود و جمعی از اصحاب گرفتار و عده‌ئی در زیر غل و زنجیر در حبس طهران با حال پُر و وبال بسر می بردند و ملا محمد از شاه و وزیر درخواست نمود که محبوسین را گرد قبر پدرش گردانده آزاد نمایند و آنها را به قزوین برده در اثر بلوای عام که خود موجبات آنرا فراهم کرده بود با قساوتی هر چه تمام تر آنان را به قتل رسانیدند از آن به بعد متوجه جناب طاهره گردید و سخت گیری آنها نوعی بود که هیچ یک از بایبان قادر بر رفت و آمد آن منزل نبودند مگر خاتون جان دختر بزرگ حاجی اسدالله فرهادی که از زنان فداکار بود و نسبت به جناب طاهره ارادت

می‌ورزید و شوهرش آقا هادی به طهران آمده به تفصیل گرفتاری جناب طاهره را معروض داشت لذا آن حضرت او را با نامه‌ای به جناب طاهره مرقوم و دستورات کافی جهت استخلاص جناب طاهره فرموده و به قزوین اعزام داشته آقا هادی نیز در لباس مبدل شبانه بقزوین حرکت نموده و حضرت طاهره را سواره از قزوین بیرون آورده از راه کله درّه و اشتهارد با زحمت فراوان ابتدا در امامزاده حسن و سپس به عمارت میرزا آقا خان که در آن وقت به کاشان تبعید شده بود وارد نموده و پس از چندی به بیت مبارک که محل رفت و آمد اصحاب و بزرگان باییه بود اقامت نمودند.

ادامه دارد

خانم زرین ثابت (خضرای)

### ای بهاء الله

درد ها را چاره و درمان توئی	ای بهاء، الله مراد جان توئی
ملجأ این خلق بی سامان توئی	عالمی پر از عناد و شور و شر
تشنگان را چشمه جوشان توئی	در بیابان فنا سر گشته‌اند
واقف اسرار بی پایان توئی	آه مظلومان زده آتش به دل
رحمتی کن، مظهر یزدان توئی	عالمی را شعله بیداد سوخت
راحت جان، روضه رضوان توئی	پرتوی ای آفتاب دل فروز
رهگشای عالم انسان توئی	هر که جوید راه سویت، رستگار
شاهد این عهد و این، پیمان تویی	سر خوشم از شوق عهدت، ای نگار
مایه این شعله پنهان توئی	نار عشقت خرمن هستی بسوخت
ای که محبوب دل و جانان توئی	زنده دل زرین ز مهر روی تست

جناب دکتر گیو خاوری  
ادامه مطالب پیشین

## کتاب مفاوضات چه گونه پدید آمد

خوشبختانه این خانم مانند امه‌الله مادام دوکاناوارو مذکور در فصل ثالث این کتاب تازه تصدیق و عاری از اصطلاحات امری نبود و نسبت به مترجمه حضور غبطه و حسد نمی‌ورزید که چرا از برکت دانائی من بفیض عظمی نائل شدی و باین گونه حقائق آشنا گشتی لهذا هیچ اعتراضی نسبت باین عبد وارد نمی‌آورد و همچنین کاتب حروف از بهائیان معروف بود و مانند مستر فلیس (۴) افکار فلسفی شخصی خود را بر مطالب نمی‌افزود و الفاظ شرقی را بسهولت می‌فهمید و محاورات بخوبی و خوشی بانتهای می‌رسید اما مسئله اکل و شرب غالباً معطل و معوق می‌ماند زیرا تغذیه روح بر تغذیه جسم برتری می‌جست طرز بیان مبارک در تشریح و توضیح مطالب بقسمی بود که مستمع را مفتون و مدهوش می‌نمود و حتی گاهی اتفاق می‌افتاد که ایراد و اعتراض سائل را قبلاً تذکر می‌دادند و جواب آنرا گوشزد می‌نمودند کما اینکه یکروز که در موضوع (در وجود شر نیست) بیانات می‌فرمودند یک مرتبه متبسمانه باین عبد تذکر دادند: حالا خواهد پرسید که پس خدا عقرب را چرا خلق کرده است؟ دقیقه‌ای طول نکشید که امه‌البهاء بی اختیار همین مطلب را سؤال کرد فرمودند: دیدی گفتم پس در جواب بگو: این امر وجودی است بلی عقرب شر است اما بالنسبه بما ولکن بالنسبه بخودش شر نیست بلکه این سم سلاح اوست که با آن نیش محافظه خویش نماید اما چون عنصر این سم با عنصر ما تطابق نمی‌دهد لهذا شر است... خلاصه آنکه اشارات از این قبیل بسیار شنیده می‌شد و باعث فرح و انبساط می‌گردیدگاهی نگرانی خاطر مبارک از این بود که چرا این عبد از این سفره گسترده و نعمت‌های

آماده کمتر استفاده می‌کنم پی در پی می‌فرمودند: حالا غذا بخور بعد صحبت کن ولی این عبد بقدری در بحر معانی مستغرق و از صهبای عنایت سرشار بودم که لقمه های جسمانی چندان لذتی نمی‌بخشید..... یک روز که اصرار می‌فرمودند که غذا بخورو بعد صحبت کن و بنده هم سرگرم مطالب بودم میس بارنی پرسیدند مترجم را به انگلیسی چه می‌گوئید؟ عرض کرد: اینتر پرتتر. فرمودند گرسنه را چه می‌گوئید. عرض کرد هانگری بعد با انگشت مبارک اشاره نموده فرمودند: هانگری اینتر پرتتر، هانگری اینتر پرتتر....

چند ماهی صحبت های سر سفره باین ترتیب جاری بود تا اینکه اهل بیت مبارک و منتسبین که این بیانات را شنیدند باین نکته بر خوردند که اگر میس بارنی در بحر اعظم الهی غوص ننموده بود این لآلی گرانبها در قعر این دریا تا ابد بی ثمر می ماند و این جواهر رحمانی در عمق معادن معانی مستور بود پس حالا که این لآلی مکنونه مکشوف گردید خوبست عین الفاظ مبارک هم بزبان فارسی در اوراق و صفحات روزگار باقی و بر قرار بماند لهذا از حضور مبارک تمنا نمودند یک نفر نویسنده در محضر انور حضور یابد و عین کلمات گوهر بار را دانه دانه برچیند و در سلک درّ شاهوار در آورد الحمدلله این مسئول باجابت مقرون و جناب میرزا منیر این مرحوم میرزا محمد قلی باین سمت مأمور گردید و همه روزه در جوار مبارک نشست و کلمات را برشته تحریر در آورد. اما این ترتیب تحریر هم برای هیکل مبارک خالی از زحمت نبود زیرا تصحیح و تنظیم آن باز بعهد مبارک بود و هم چنین جمع آوری بیانات گذشته از روی ترجمه ی انگلیسی و تنظیم آن بسیار طولانی شد و میس بارنی زحمت بسیار تحمل نمود خلاصه آنکه وقتی دو ثلث کتاب نوشته شد مسافرت اروپای این عبد پیش آمد و خدمت ترجمه بعهد صبیای مبارک محول گردید و ضمناً ائمه الهیاء بواسطه کثرت ممارست و تمرین و مطالعه ی کلمات الهی در زبان فارسی تسلط یافت و این خدمت را در عالم امر بخوبی انجام داد و این یادگار فنا ناپذیر (۵) را از خود باقی گذاشت (۶).

## یاد داشت ها و منابع

- (۱) - کتاب مستطاب ایقان مقدمه ناشر پا ور قی صفحه شماره ۱
- (۲) - جناب هیپولیت دریفوس از خاندانی شهیر و اولین مؤمن فرانسوی می - باشند که مکرر بزیارت طلعت میثاق فائز و بخدمات باهره عظیمه نائل گشتند، زبان فارسی و عربی آموختند و بعضی آثار را ترجمه نمودند با امة الله کلیفور د بارنی از دواج کردند و اسفاری به ترکستان روسیه و ایران و هندوستان فرمودند.. (فرهنگ لغات منتخبه تألیف دکتر ریاض قدیمی ص ۱۰۸۷)
- (۳) - ظاهرأ خانم روزنبرگ مقیم لندن همان کسی است که در اختلاف مباحث لوح حکمت با تاریخ فلسفه در غرب از حضرت عبدالبهاء سؤال کرده بود چون معاصر بودن ابید قلسیس با حضرت داود و فیثاغورث با حضرت سلیمان که در لوح حکمت عز نزول یافته با تاریخ فلاسفه در غرب منافات دارد که حضرت عبد البهاء در این خصوص در پاسخ خانم روزنبرگ چنین می فرمایند: «... آنچه در خصوص تواریخ فلاسفه سؤال نموده بودید تاریخ قبل از اسکندر یونانی مشوش است زیرا مسلم است که تاریخ بعد از اسکندر ترتیب و انتظام یافت لهذا ابدأ بوقایع تاریخیه و روایات قبل از اسکندر اعتماد نتوان نمود و این مسئله در نزد عموم مورخین و محققین مسلم است چه بسیار مسئله ئی از مسائل تاریخیه که در عصر ثامن عشر مسلم بود در تاسع عشر مخالف تحقق یافت لهذا بر اقوال مورخین و روایات قبل از اسکندر حتی زمان حیات نفوس مهمه اعتماد نه. پس در اختلاف مضمون لوح حکمت و نصوص تاریخیه تعجب ننمائید باید یک قدری در اختلاف عظیم مورخین و تواریخ متبایعه دقت نمود چه که مورخین شرق و غرب بسیار اختلاف دارند و لوح حکمت بحسب بعضی از تواریخ شرق مرقوم شده ... حتی در تاریخ مقدس (تورات) که مقدم ترین تواریخ است اختلاف در اوقات حیات مشاهیر موجود تا چه رسد بتواریخ سائره و از این گذشته انجمن های معارف اروپا متصل به تصحیح

تواریخ موجوده شرق و غرب مشغول. با وجود این چگونه تواریخ مشوش امم قبل از اسکندر با نص الهی مقابلی نماید اگر استغرابی می نمایند در این اختلاف تاریخ مقدس تعجب فرمایند والا نص الهیه امر مختوم است و جمیع تواریخ عالم با نص الهی مقابلی ننماید زیرا تجربه گردیده که بعد از تحرّی حقیقت و تتبع در آثار قدیمه و قرائن کل راجع به نصوص الهیه گردند اصل ثبوت حقیقت مظهر کلی الهی بود بعد از ثبوت حقیقت، او آنچه فرماید صحیح است. تواریخ قبل از اسکندر که مبتنی بر اقوال افواهی خلق بوده بعد تدوین یافت و در میان آن تواریخ بسیار اختلاف. البته مقاومت نص الهی نکند در نزد مورخین مسلم که تاریخ بعد از اسکندر تدوین یافت و پیش از آن تاریخ افواهی بود ملاحظه کنید که تاریخ یونان چقدر مشوش بود که زمان امیروس شاعر شهیر یونانی هنوز مختلف فیه است بعضی بر آنند که امیروس وجود نداشته و این اختراعی است ....» (نقل از کتاب مائده آسمانی جلد ۲ تألیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری چاپ سال ۱۹۸۴ دهلی نو صص ۶۷ - ۶۴)

(۴) - در باره مستر فیلیپس در کتاب «خاطرات نه ساله» تحت عنوان «مادام دوکانا وارو و مستر فیلیپس» چنین آمده است :

«.....» تمنای تشرّف با مقتضیات حکمت در چنین ایامی مناسب نبود معذالک چند نفری را اجازه فرمودند که بتدریج بیابند از آن جمله اول مادام دوکانا وارو خانم آمریکائی قبلاً مجذوب دیانت بودائی شده یکی از مبلغین این دیانت گردیده ..... سیستر سانگامیتا از نجباء و نقیاست و در فلسفه جدید غربی ید طولا دارد و با تصوف هندی کاملاً آشناست و کتاب بودا را در تحت عنوان گاسپل اف بودا یعنی انجیل بودا بدو زبان فرانسه و انگلیسی طبع و نشر نموده است و اینک آخر الامر از طریق بودائیت به بهائیت راه یافته است ..... و اما مستر فیلیپس برادر خوانده ی طریقتی سیستر سانگامیتا و عقیدتاً بودائی است .... این خانم بر خلاف مستر بریک ویل و پسران مستر داج سئوالات بسیار دارد و جوابها را مستر قلیپس می نویسد، اشکالی که در اینجا

پیدا شده اینست: مسلک و عقیده ی خواهر و برادر یکسان نیست و کتابی که تدوین می شود باید عقیده ی هر دو موافق باشد لهذا زحمت مبارک از تفهیم مطلب بسیار است خانم سئوال می کند این عبد ترجمه میکنم و مجدداً جواب مبارک را باو میرسانم، مستر فبلیپس بسرعت می نویسد اما سائل و نویسنده چون دو رأی مخالف و دو سلیقه مختلف دارند تفهیم مطلب بسیار دشوار است و تکرار آن باعث زحمت مبارک یک قسمت مختصری که راجع بحضرت بودا با سایر انبیاء بود اشکالی نداشت اما قسمت مهم در تناسخ بود در اینجا نویسنده اصرار و ابرام می ورزید که ذوق و سلیقه خود را در کتاب بگنجاند یا آنکه بزبانی بنویسد تا در اروپا که معتقدین به تناسخ بسیارند طالب و بازار فروش داشته باشد و این اشکال تا آخر کتاب در بین بود.

در یوم دوم یاسیم صحبت سر سفره که تازه مطالب مشکله ی غامضه بمیان آمده بود یکمرتبه غوغائی بر پا شد و علتش این بود: یک مطلبی که از بدیهیات و واضحات فلسفه ی بهائیه بود چون در نظر آن خانم از مطالب غامضه محسوب بود چند مرتبه تکرار شد تا حقیقت مطلب واضح گشت.

در این حین خانم شدیداً بمن اعتراض کرد و با کمال غضب پرخاش نمود و از فرط عصبانیت نمی توانست مطلب را بملایمت ادا نماید و حضرت مولی الوری پی در پی می پرسید چه می گوئید؟ خانم فرصت نمی دهد مطلب را بفهمم و بعرض برسانم بعد از غوغای زیاد آنچه معلوم شد این بود: خانم می گوید شما شرقی ها چرا باید در دیانت پیشاهنگ و علمدار باشید در صورتیکه همچو کمالاتی ندارید و ما غربی ها باید محتاج شما باشیم و مطلب را از شما اخذ کنیم ..... اگر ما غربی ها نباشیم شما این مطالب را از کجا درک می کنید وانگهی همینکه مطلب را فهمیدید و جواب آن را هم اول شما ملتفت می شوید بعد از شما من باید بفهمم .... چرا من باید چشم و گوشم را بزبان شما بدوزم و منتظر بنشینم تا جواب خود را دریابم .....

همیکه مطلب معلوم شد تفصیل را عرض کردم ..... یک نگاه مشفقانه باو

فرموده، فرمودند: بگو اسرار ملکوت تأثیر و نفوذش روحانی است نه جسمانی، گوش و زبان آلتی است جسمانی. اگر روح مستعد وصول مواهب الهیه نباشد سمع و بصر چه حکمی دارد؟ این مطالب روحانی بقلب شما تأثیر می کند من بقوت روح با شما صحبت می کنم شما هم با توجه تام و نیت خالص و قلب منیر تجلیات رحمانی را اخذ می کنید اصل رابطه صمیمی باطنی است الحمد لله روابط معنوی مستمر و برقرار است آنچه تا کنون ادراک نموده اید از نقشات روح القدس بوده است روابط روحانی من با شما مستقیم است لسان ترجمان آلت جسمانی ظاهری است ....

خلاصه آنکه خانم قانع شد اظهار مسرت نمود و صلح و سلام بین ما دو نفر برقرار گردید متجاوز از یک ماه مشرف بود مسائل مهمه ی فلسفی و عرفانی حل شد بعضی را مستر فیلیپس در کتاب خود درج نمود و برخی را خانم به سینه سپرد ..... نصف این کتاب را این عبد سه چهار مرتبه از انگلیسی بفارسی ترجمه نموده بلحاظ مبارک رسانیده و بعد مجدداً یا به انگلیسی ترجمه کرده یا برای مستر فیلیپس شرح دادم و هیکل مبارک تصحیح فرمودند معذالک اصل مطلب مخالف بیانات مبارک انتشار یافته سیستر سانگامیتا شخصاً مطلب را درک می نمود ولی مستر فیلیپس بمیل خود انشاء می کرد.....» (نقل از خاطرات نه ساله صص ۱۹۲ - ۱۸۷)

(۵) - «مفاوضات» حتی در «فرهنگ معین» چاپ جمهوری اسلامی بعنوان یکی از سه مهم حضرت عبدالبهاء آمده است باین شرح: «عبدالبهاء، (بنده روشنی) عباس افندی معروف عبدالبهاء، بن میرزا حسینعلی بهاء، الله تولد ۱۲۶۰ هـ - ق وفات ۱۳۴۰ هـ - ق / ۱۹۲۱ م / .... جنازه وی را در جنب مزار باب بالای حیفا در جبل کرم ل دفن کردند اوراست: تفسیر حدیث کنت کنزاً مجیداً، مقاله سیاح، مفاوضات عبدالبهاء، (طبع لندن)، الواح (بسیار) ص ۱۱۳۳ ذیل نام عباس افندی مفاوضات جمع کلمه مفاوضه (فأرض فیاوض) بمعنی باهم شرکت نمودن - مذاکره کردن و بحث نمودن درباره امری تا حصول توافق است (مأخذ ردیف ص ۸۶۹)

(۶) - مأخذ ردیف ۴ صص ۴۲۰ - ۴۱۴ پایان

ترجمه خانم فریده تمدن (سیاهپوش)

ادامه مطالب پیشین

## حضرت شوقی افندی خاطرات جناب دکتر یوگو جیاگری

حدائق حول مقام اعلیٰ

کوه پر صخره و مقاوم و شیب دارمشکلات زیادی برای باغبان‌های معمولی ایجاد میکند، مشکل اول محدود بودن دسترسی بزمینهای مسطح می باشد و ثانی بعلت خرابی که در اثر بارانهای سیل آسا در بهار و زمستان ایجاد می شود هر نوع گیاه سبز شده بااستثنای درختانی که خوب پا بر جا و ریشه دوانده باشند از بین می روند.

همان طوریکه حضرت عبدالبهاء پیش بینی کرده بودند جواب به تمام مشکلات منطقه کوهستانی ایجاد تراسهائی می بود که بتوانند خاک را نگهداری و زمین مسطحی را ایجاد کنند که در آن بتوان گلها و گیاهان مختلفه را کشت نمود. هنگامیکه بار اول آن قسمت از کوه کرمل را که مقبره حضرت اعلی با حدائقی که در اطرافشان بود زیارت کردم احساس من این بود که یک صحنه بزرگی برای یک حماسه پر هیجان تهیه شده است و برای من خیلی مشکل است که بتوانم کلمه ای را اظهار کنم که بتواند نموداری از احساساتی که مرا فرا گرفته بود باشد موقعیکه جزئیات را مشاهده کردم متوجه شدم که چه قدرعالی نقشه کشیده شده بود، که چنین محیط خوشایند و زیبایی و چنین محوطه سازی موزون و موافق اطراف نقطه مرکزی - مقام اعلی ایجاد شده بود.

خاطرات کودکی خود را از گهواره حضرت مسیح بیاد آوردم، که در ایام کریسمس اطرافش پر از فرشته های زمینی و قیافه های جالب انسانها و حیوانات و درختها و گلها و شمع های روشن بود و موزیک مکانیکی ناقوس دو آهنگ اسرافیل را مرتب تکرار می کرد، همانطوریکه خاطرات کودکی من محو می شد

من مقام حضرت اعلی را در حقیقت واقعی اش زیارت می کردم، که نصف آن ساخته شده بود و در وسط یک باغ سحر آمیز و زیبایی شکل گرفته و بوجود آمده بود، و مانند یک شنل سبز پر بهائی بود که تاج طلائی (ملکه کرمل) را تقویت کرده و بعظمت آن می افزود، و صحنه ای مهیج از محل تولد مسیح که از وحی الهی برای دنیای تازه ای می بود درست شده بود.

حضرت شوقی افندی پس از انتصاب بمقام تاریخی ولایت امر قسمتی از ساعات گرانبها و پر مشغله خود را اختصاص به طرح نقشه کلی برای حدائق اطراف مقام مقدس حضرت اعلی که بوسیله حضرت عبدالبهاء ساخته شده بود دادند، و یک زمینه برای تزئینات بعدی در مقام مقدس آماده نموده اند.

در اوائل سالهای ۱۹۲۰، نقشه حدائق بتدریج آشکار و شگفته می شد. در ساختمان مقام اعلی زمین را هموار و مسطح نموده بودند و انحنای شدید کوه در عقب و اطراف ساختمان مقام اعلی کم شده بود، و این امکان کاشتن حاشیه های حصار و گلها را می داد. پیاده رو ها و مسیر های قدم زدن و پله - هائی خیلی شبیه همانطوریکه امروز ملاحظه می شود طرح و ایجاد گردیده بودند.

BYRON شاعر انگلیسی می گوید "بشر واقعاً نمی داند که چه قدر آب خوب ارزش دارد" گر چه سالها قبل مجراهائی ساخته شده بود که آب را از کوه های لبنان بشهر عکا بیاورد ولی آن بعلت بی توجهی و مسامحه بی نتیجه و غیر مؤثر گردیده بود. هیچ سیستم آب رسانی واقعی برای تقسیم موجود نبود تا اینکه پس از ایجاد دولت اسرائیل که چاهها زده شد و مخازن آب که آب باران را نگهداری و ذخیره میکردند ایجاد گردید، و معمولاً این آب ها برای مصرف خانگی بود. همانطور که در اوائل این فصل ذکر شد.

حضرت شوقی افندی مشکل تهیه آب را برای حدائق مقام اعلی با متد عملی و مبتکرانه خود حل نمودند. زمانیکه بیت حضرت عبدالبهاء در دهه اول قرن بیستم در شماره 7 PERSIAN STREET ساخته شد، یک چاه عمیق در آن

زمان در قسمت جنوبی ساختمان حفر گردیده بود که دارای مقدار زیادی از آب بود، که در وحله اول آب با متد قدیمی قرقره، طناب و سطل کشیده می شد و سپس با متد های دیگری که شامل تلمبه ای که بوسیله آسیاب بادی کار میکرد بود. تنها راهی که می شد آب برای حدائق مقام اعلی تأمین کرد این بود که آب را از این چاه به بالای کوه کرمل رسانند. حضرت ولی امرالله شخصاً بمن نقل کرده اند که چه کار مشکل و دشواری بود که در محل لوله های آهنی بحد کافی پیدا کنند و لوله های مختلف، گرد هم آوردند و مجبور بودند که با اتصال های مختلف بهم سوار کنند تا اینکه تمام فاصله از بیت حضرت عبدالبهاء تا حدائق مقام اعلی لوله کشی شود.

ادامه دارد

## تعطیلات امری

۲ می به مناسبت دوازدهم عید اعظم رضوان

۲۳ ربه مناسبت اظهار امر حضرت باب

۲۹ // به مناسبت صعود حضرت بهاءالله

خانم زرین ثابت (خضرای)

## تو عبدالبهائی و محبوب ما

فدای ره و رسم و رفتار تو	فدای رُخِ پَرز انوار تو
جهان گشت دیگر ز معیار تو	گرفتی به سحر بیان عالمی
نشانها تو داری از آن بی نشان	مثال الهی ز چهرت عیان
بود نقش، نام تو بر لوح جان	تو عبدالبهائی و محبوب ما
تو مولائی و ما به تو مقتدا	چه نیکو مثالی بر اهل بها
چو مهری که تابد بر ارض و سما	بود روی دلها همه سوی تو
بسودی بسی دُر نا سفته را	گشودی بسی راز بنهفته را
صفا داده بس قلب آشفته را	به خسته دلان داده ای التیام
توئی مرکز عهد و سر قویم	توئی منشعب از جمال قدیم
بمانیم بر عهد تو مستقیم	مدد کن که پوئیم راه تورا
تو سالاری و ما همه بندگان	پناه تو جویند دل خستگان
بگیر از کرم دست افتادگان	به گمگستگان، ره تو بنموده ای
خوش آن نغز گفتار و آن هوی تو	خوشا روی دلجوی و گیسوی تو
به جان گشت زرین ثنا گوی تو	مشامش ز بوی تو شد عنبرین

دکتر طلعت بصاری (قبله)

## سخنی کوتاه

پی یرروسو دانشمند و محقق و نویسنده گرانقدر و کم نظیر تاریخ تمدن و در نتیجه سیر تکاملی علم و صنعت را چنین تشبیه می کند و می گوید: تاریخ صنعت اندک شباهت به جاده طویلی دارد که بشریت قرن‌ها از پس قرن‌های دیگر در طول آن حرکت می کند. در مبادی تاریخ معبرما از صحرای بی آب و علفی می گذرد و اختراعات همچون جوانه های ضعیفی هستند که در داخل این صحرا گم شده اند و گاه گاه چشم مسافر با یکی از آنها برخورد می کند ابزار سنگی، آتش و چرخ از این جمله هستند. در طول قرون وسطی اشجار سر سبز بیش از پیش دیده می شود. طی قرون نوزدهم ناگهان سر زمینی که معبر ما از آن می گذرد تغییر صورت می دهد. علم بوجود آمده است و با سخاوت بی منتهایی هر چه را که با آن برخورد می کند بارور می سازد. در این هنگام دیگر شاخ و برگهای ضعیف گذشته به اشجار قوی مبدل می شوند و بشریت در جنگل خرمی وارد می شود که در هر سوی آن مناظر خیره کننده - ای وجود دارد و از هر طرف آن صور متفاوتی آشکار می شود که دیده را لذت و روشنی می بخشد. پی یرروسو می نویسد بشر برای اینکه بتواند چنین پیروزی حیرت انگیزی را بدست آورد شش هزار سال کوشش و شاگردی در مکتب طبیعت لازم گردید. این کوشش و شاگردی با ساختن اولین ابزار های سنگی عهد حجر شروع گردید و منتهی به ایجاد دستگاه های خود کار الکترونی شد. ملاحظه می کنیم که بشریت آن قابلیت و استعداد را پیدا کرده پس در چنین اوضاع و احوال است که تعالیم و احکام چه دینی و چه عرفی باید مقتضی زمان و مکان باشد و یکی از آن تعالیم تساوی حقوق زن و مرد است که در ۱۵۶ سال پیش به جهان و جهانیان عرضه شد و طاهره قره‌الین در دشت بدشت نزدیک شاهرود مأمور اعلان آن در میان چشمان حیرت زده شرکت کنندگان در آن کنفرانس گردید.

امید وار هستیم چشم و گوش جهان و جهانیان به آنچه حق گفته است باز گردد

جناب آقای دکتر مشرف زاده

از مجله نجم باختر فارسی ۲۸ آپریل ۱۹۱۱

## نگاهی به گذشته

«کنگره عمومی نژاد های عالم در لندن - روز چهارشنبه ۲۹ ماه رجب ۱۳۲۹ محفلی عظیم از نمایندگان ملل در شهر لندن فراهم آمد که چشم جهان مثل و مانندش را ندیده است ... جنابان مؤید الاسلام مدیر جریده حبل المتین و آقای حاجی میرزا یحیی در صف این خیر خواهان (نفوسیکه برای تشکیل انجمن کوشیده اند) محسوبند. هیئت محترمه انجمن دارای سی رئیس پارلمان های مختلفه و اکثریت اعضاء عدالت خانه بین المللی و نمایندگان دوم کنفرانس لاهی و دوازده فرمانفرمای انگلیسی و هشت صدر اعظم های انگلیسی و چهل اساقفه ممالک شرقی انگلیس و صد و سی پروفیسورهای قانون بین المللی و بسیار از علما و فضلا و فلاسفه دول شرق و غرب است ... و چنین امیدواریم که ملت ایران هم بقدر قوه خود نمایندگان و وکلا خواهند فرستاد. ایرانیان باید از توی جلد بلغار دو سه هزار ساله بیرون آیند اغراضات شخصی و دینی و نوعی را دور اندازند. بر اوضاع جهان آگاه گردند با سائر ملل سر و کله زنند و افق افکار را از ابر های متراکمه خود پرستی پاک و مطهر نمایند تا در حوضه ملل حیه متمدنه قبول گردند... بر حسب دعوتنامه کمیته اجرائیه آن حضرت عبدالبهاء در ۵ شنبه ۲۷ رجب خطابه ای در حضور آن محفل نوع بشر در باب امر بهاء الله ادا خواهند نمود و در پرو گرام کنگره که هفته گذشته باین اداره رسیده اسم مرکز میثاق ثبت شده است...»

در شماره ششم سال هشتم جریده فریده چهره نما نامه یکی از علمای عظام طهران درج گردیده و اشاره به محتویات مقاله چهره نما در شماره بیستم سال هفتم نموده اند و انتشار بیانات و عقائد حضرت عبدالبهاء را از «خوش

ادامه در صفحه ۴۴

جناب دکتر علی توانگر

ادامه مطالب پیشین

## ملکوت الله

در قرآن مجید نیز بملکوت خدا اشاراتی شده مانند: ملکوت کل شیء و ملکوت ملک السموات و الارض و راجع به حضرت ابراهیم «و کذالک نری ابراهیم ملکوت ملک السموات و الارضین ولیکون من الموقنین» ۶/۷۵ و در باره یوم قیامت که منظور یوم ظهور است می فرماید «یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء لمن الملک الیوم لله الواحد القهاده» یعنی در آن روز همه آشکارند و چیزی از خداوند پنهان نیست. در آن روز پادشاهی کرا است؟ پادشاهی از آن خداوند واحد و قهار است. و منظور از سلطنت خداوند سلطنت مظهر ظهور است چنانچه می فرماید «من یطع الرسول فقد اطاع الله» یعنی هر کس رسول الله را اطاعت کند خدا را اطاعت نموده، قیامت نیز مقصود یوم ظهور مظهر الهی است چنانچه وقتی از حضرت مسیح قیامت و رستاخیز را سؤال می کنند و چگونگی احیاء اموات را در آن روز می پرسند میفرماید: «من قیامت و حیات هستم هر که بمن ایمان آورد اگر مرده باشد زنده می گردد.» (۱۱/۲۵) یوحنا

و «حدیث اذا قام القائم قامت القیامه» نیز معروفست. با وجود همه آیات و روایات اکثر مردم منتظر قیامت موهوم و برخاستن مردگانند.

مولوی علیه الرحمه بزرگترین عارف و عالم دوره اسلام میفرماید:

زاده ثانیست احمد در جهان	صد قیامت بود او اندرمیان ۷۵۶/۶
پس محمد صد قیامت بود نقد	زانکه حل شد در فنای حل و عقد ۷۵۵/۶
ز او قیامت را از او پرسیده اند	ای قیامت تا قیامت راه چند ۷۵۷/۶
با زبان حال می گفتی بسی	که ز محشر حشر را پرسد کسی ۷۵۸/۶

هر که گوید کو قیامت ای صنم خویش بنما که قیامت تک منم (۱)  
 همانطوریکه یوم ظهور هر مظهر الهی قیامت است ملکوت خدا نیز در آن یوم  
 بوسیله احکامش بر قرار میگردد، در ضمن هم هر رسولی وعده بظهور جدید و  
 یوم جدید و ملکوت جدید برای آینده به پیروان خود داده است و آنها را آماده  
 نموده تا بیدار و هوشیار باشند. آن یوم تشبیه به فصل بهار شده که عالم  
 انسانی حیات جدید پیدا می کند و به گلهای تازه معرفت و ریاحین دانش مزین  
 می گردد و ثمرات جدید علم و معارف بیار می آورد و اشجار وجود که خشک  
 و افسرده و بی ثمر بوده با ندای الهی به جنبش و حرکت می آیند. مولوی علیه -  
 الرحمه در جلد اول مثنوی فرماید:

گفت پیغمبر که نکته های حق	اندر این ایام می آرد سبق ۱۹۶۱/۱
گوش حش دارید این اوقات را	در ربائید این چنین نفحات را ۱۹۶۲/۱۱
نفعه ای آمد شما را دید و رفت	هر که رامیخواست جان بخشید و رفت ۱۹۶۳/۱
نفعه ای دیگر رسید آگاه باش	تا از این هم وانمانی خواجه تاش ۱۹۶۴/۱
فعل باران بهاری با درخت	آید از انفاسشان با نیک بخت ۲۰۵۴/۱
گر درخت خشک باشد در مکان	عیب از آن باد جان افزا مدان ۲۰۵۵/۱
باد کار خویش کرد و بروزید	آنکه جانی داشت بر جانش گزید ۲۰۵۶/۱
وانکه جامد بود و خود واقف نشد	وای بر جانی که او عارف نشد (مولوی)

عارف بزرگ دیگر شیخ عطار که هفت شهر عشق را طی کرده و در کتاب سی  
 فصل صفحه ۱۱۲ چاپ طهران این چنین کشف جدید نموده است:

بقرآن این چنین فرمود داور تو تا دینش بدانی ای برادر

(۱) - خطاب به پیامبر می گوید:

خیز در دم توبه صورسهمناک	تا هزاران مرده بر روید ز خاک ۱۴۷۹۴/۱
چون تو اسرافیل وقتی، راست خیز	رستخیزی ساز پیش از رستخیز ۱۴۸۰/۴
هر که گوید کو قیامت ای صنم	خویش بنما که قیامت تک منم ۱۴۸۱/۴

که عالم را به شش روز آفریدم	محمد را به عالم برگزیدم
بود عالم حقیقت عالم دین	چنین دارم ز پیر راه تلقین
بود شش روز دورشش پیمبر	مرا تعلیم قرآن گشت یاور
ولیکن روز دین سالی هزار است	بدان ترتیب عالم رامدار است
چو گرددشش هزار از سال آخر	شود قائم مقام خلق ظاهر
بسر آید همه دور شریعت	به امر حق شود پیدا قیامت
تو اسرار قیامت را ندانی	ره دین و قیامت را چه دانی
نَبْد فرمان که سازند انبیا را	رموز این قیامت آشکارا
حدیثی مصطفی گفته در این باب	روایت اینچنین کردند اصحاب

حضرت بهاء الله جلّ ذکره الاعلی در مثنوی از این ملکوت جدید ربّانی و بهار جان افزای روحانی چنین یاد می فرمایند:

ای سرافیل بها ای شاه جان	یک حیاتی عرضه کن بر مردگان
نو بهاری تو ز نو آور عیان	تا ز حشرت بر جهند این مردگان
این بهار عزّ روحانی بود	این ربیع قدس ربّانی بود
لاله توحید بین در این بهار	سنبل تجرید بین از زلف یار

حضرت عبد البهاء می فرمایند: « ظهور جمال مبارک مانند فصل ربیع بود و موسم جدید که با نفحات قدس جنود حیات ابدیه و قوه ملکوتیه ظهور و سریر سلطنت الهیه را در قطب عالم نهاد و بروح القدس نفوسی زنده فرمود و دوره جدید تأسیس نمود.» (مفاوضات ص ۱۰۳)

ادامه دارد

جناب دکتر - م - مشرف زاده

ادامه مطالب پیشین

## آهنگ حیات اجتماعی

۴ - علاوه بر جشن ها و کنفرانس ها و نقشه هائی که جنبه بین المللی و یاملی داشته و باعث ادامه این آهنگ و تواتر اجتماعی در جامعه دنیائی بهائی بوده و خواهد بود هر فرد بهائی نیز بعنوان عضوی از اعضا، جامعه در مراسم و تشریفات و وظائف تشکیلاتی و اجتماعی محل خود شرکت خواهد نمود که باعث تحکیم وابستگی وی به جامعه گردیده و صرف نظر از سقایه شدن شجره ایمانی و عرفانی و روحانی احساس این حقیقت را که او عضو مفید و مؤثر جامعه است در وی تقویت خواهد نمود. رئوس این فعالیت های اجتماعی از این قرار است.

۱ - شرکت در ضیافات ۱۹ روزه که بر هر فرد بهائی واجب است.

۲ - عضویت در کمیون ها، لجنات، محافل محلی، محافل ملی و بیت العدل اعظم.

۳ - پذیرفتن انتصابات از قبیل مساعدت، عضویت در هیئت های معاونت و عضویت در هیئت های مشاور قاره ای.

۴ - نشر نوحات الله (تبلیغ)، مسافرت های تبلیغی و تشویقی، مهاجرت، فعالیت های عام المنفعه تربیتی، پزشکی و غیره، تعلیم محصلین بهائی (درس اخلاق)، تشکیل کلاسهای امری، استفاده از هنر و موسیقی برای اهداف امری و غیره.

۵ - رعایت و اجرای بسیاری از امور فردی مذهبی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم اثرات اجتماعی دارد از قبیل نماز و روزه، تأکید در نظافت، زیارت و حج، ادای حقوق الله، تقدیم تبرعات و اقدام در تزیید عایدات جامعه، امر از دواج، تحصیل علوم نافع، فعالیت های مربوط بمشارق اذکار و منضّمات آن

عدم دخالت در سیاست، اطاعت حکومت و غیره.

۵ - ممکن است چنین تصوّر شود که شرکت در اینهمه تأسیسات و مشروعات و وظائف فردی و اجتماعی باعث ممانعت از فعالیت در کسب و کار و موفقیت های مادی در زندگی افراد خواهد گردید. در این مورد ذکر چند نکته مهم لازم است:

اولاً اینکه تمام این فعالیت ها برای همه مردم است نه فقط یک فرد و یا یک گروه. هر کسی باندازه وسع و استعداد و درجه ایمان و موفقیت شخصی خود هر قسمت از وقت خود را خالصاً لوجه الله صلاح می داند در اختیار تشکیلات و جامعه می گذارد.

ثانیاً بر طبق تعلیمات بهائی رعایت اعتدال در جمیع امور ستوده شده و افراط و تفریط در هر کاری ناپسندیده است. در حقیقت بین تغذیه جسم و تغذیه فکر و تغذیه روح و بعبارت دیگر بین حیات مادی و معنوی حدّ اعتدال در نظر گرفته شده است. رعایت اعتدال و جلوگیری از افراط و تفریط در جمیع امور در نصوص مبارکه کراراً تأکید گردیده است. حضرت عبدالبهاء، در یکی از مناجاتهای مبارک می فرمایند «خدایا اعتدالی بخش و توسطی عنایت فرما». در مائده آسمانی جلد ۶ ص ۱۱ حضرت ولی عزیز امرالله بوسیله کاتب چنین فرموده اند: «رجال و نساء و احباء الله باید در مقامات وحدت و یگانگی و عفت و فرزانی ترقیات روز افزون داشته باشند بدرجه ایکه امم سائره بآنها تأسی نمایند و شیفته اعتدال احوال و اخلاق ایشان شوند..... و ثانی اعتدال درشئون و احوال نساء بهائیان است..... وقتی عالم انسانی رو به ترقی شایسته نهد که رؤسای دنیا در نهایت سادگی زندگی نمایند چندانکه طرز زندگی برای عموم رعایا نیز سهل الحصول شود و فقرا را مسرور نمایند نه ملول زیرا زندگی ساده و ترک تکبر و آرایش هر صعوبتی را سهولت بخشد و ظلم و اعتساف را بعدل و انصاف مبدل کند و عالم را از احتیاجات شدید برهاند. پس سزاوار آنست که احبای حق فعلاً سر مشق دیگران شوند و جداً بر تعدیل اوضاع زندگی برخیزند»

ثالثاً در اجتماع آتیه بهائی و تحت اشراف حکومت جهانی که بر پایه وحدت عالم انسانی و صلح اکبر است این همه مصارف و مخارج که صرف تهیه سلاح های مرگبار و هواپیما ها و کشتی های جنگی و توپ و تانک و مواد اتمی و شیمیائی مخرب می شود همه آنها برای بهبود وضع زندگی مردم و مبارزه با بیماریها و بالا بردن سطح بهداشت عمومی و سایر امور عام المنفعه مصرف خواهد شد و بالنتیجه مشاغل مادی و اقتصادی کنونی بنحو حیرت انگیزی از بین خواهد رفت و بجای تمدن رو بزوال و تدنی کنونی یکنوع تمدن توام با فراغت خاطر **LEISURE CIVILISATION** به وجود خواهد آمد و دیگر انسان لازم نیست که در شبانه روز حد اقل ۸ ساعت برای تهیه رزق یومیه تلاش نمایند. با توجه به تعلیماتی از قبیل احتراز از ثروت و فقر لانه‌یاه، کنترل حرص و طمع مردم بوسیله تعالیم روحانی از یکطرف و قوانین اجتماعی صحیح و محدود کننده از طرف دیگر، امانت و صدق و خلوص و تقوی و هزاران مکارم اخلاقی و روحانی دیگر که منصوص آثار مبارک است جهان آتیه در ظل تعالیم مبارک که منظره و نمونه‌ای از بهشت موعود خواهد بود و چه بهتر که انسان ها قسمت اعظم فرائض خود را وقف خدمت امر که در حقیقت خدمت بنوع انسان است بنمایند. ۶ - نکته دیگری که خوب است مورد توجه هیئت های محترمه مدیره مجلات امری و انتشارات بهائی قرار گیرد آنست که تا فاصله زمانی زیادی نگذشته و دیر نشده یاد حضرات ایادی امرالله را زنده نگهدارند.

نشریه محترمه پیام بهائی اخیراً بیاد بود دهمین سال صعود ایادی عزیز امرالله جناب ابوالقاسم فیضی اعلی الله مقامه یک شماره مجله را اختصاص داده بودند که مایه بسی اعزاز و اکرام و تقدیر است خوب است این عمل بمرور در مورد سایر ایادی عزیز نیز اجراء گردد. زیرا هنوز اشخاصی که با آن نفوس محترم مستقیم و یا غیر مستقیم تماس داشته و در قید حیاتند در گوشه و کنار جهان می توان یافت. حیف است که آن خاطرات از بین برود.

یکی از عادات غلط شرقی‌ها آنست که از هر کسی پس از مرگش تقدیر و تعزیز بعمل می‌آورند چه خوب است ما شرقی‌ها این یک خصیصه نیک را از غربی‌ها بیاموزیم و از نفوسیکه خادم امرند در زمان حیاتشان با سخا، مختلفه از قبیل تشکیل جلسات، شرح در مجلات و غیره تقدیر نمائیم. در مورد شهدای عزیز اخیر نیز گفتنی‌ها و خاطرات بسیاری در ذهن و حافظه خیلی از احباء موجود است و فقط پی‌گیری و تقاضای حضوری و یا کتبی متصدیان مجلات می‌تواند آن خاطرات را زنده و جاوید نگه دارد.

۷- بطور خلاصه میتوان گفت آهنگ و تواتر حیات اجتماعی که توسط شارع عظیم الشان دیانت مقدس بهائی و مبشر فداکارش پی‌ریزی گشته و توسط میمن من طاف حوله الاسمائش متشکل و مترسم شده و سپس بوسیله ولی امر نازنینش بصورت نقشه‌های مرسمه و کنفرانس‌ها و مؤتمرها منعقد و انتصابات متوالیه بمرحله اجراء و عمل در آمده اکنون در کف با کفایت بیت العدل اعظمش با ریتم و وزن و نظم خاصی رو به نمو و ترقی و انتشار بوده و در آتیه نیز با ادامه نقشه‌های متعدده و یاد آوری‌های صد ساله CENTENARY به رشد و توسعه محیرالعقول ادامه خواهد داد. خوشا بحال نفوسیکه در پیش برد این آهنگ بحسب وسع و استعداد خود بتوانند سهمی داشته باشند.

کاین هنوز از نتایج سحر است

باش تا صبح دولتش بدمد

جناب همایون حسامی  
ادامه مطالب پیشین

## در تداوم ایمان

شاید سخنان (هومر) شاعر باستانی یونان که با کلامی نغز و دلنشین در وصف خدایان نغمه‌ها سروده است بهترین منبع برای شناخت مذهب یونانیان باشد اما بغیر از اشعار هومر و توجه به مجسمه‌ها و آثار کلاسیک یونان راه دیگری نیز فراراه تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران قرار گرفت و آن روایات گویش‌های مردم کوچک و بازار و روستائیان بود.

بزرگترین خدای یونان (زئوس) نام داشت که قبائل آریائی هند او را (دایوس پیتار) یا پدر آسمانی می‌نامیدند و کلمه (پدر) که امروز در زبان ما جاری است از همان کلمه (پیتار) گرفته شده است. رومی‌ها (زئوس) را (ژوپیتر) می‌نامیدند که همان معنی پدر آسمانی را می‌دهد خدایان دیگر یونانی‌ها عبارت بودند از: ۱- (دینیترا) یا خدای روی زمین ۲- (آپولو) معبود بخش دیگری از مردم یونان و (آفرودیت) معبود مردم قبرس بود و همه این خدایان به عقیده یونانی‌ها در مرکز کوه (آلیمپیوس) اجتماع نموده‌اند و قلم سحر انگیز (هومر) در این باره می‌نویسد (زئوس) خدای خدایان راننده ابرها و خدای بخشنده و مهربان (هرا) الهه بلورین اندام و زیبا روی ملکه خدایان و همسر زئوس که بر سریری از زر ناب جلوس نموده است (اتنا) خدای حکمت و خرد (آپولو) پسر (اتنا) کمان داری که هم درد می‌دهد و هم درمان می‌نماید (آرتمیس) دخترکی است زیبا و خجول که با گرازان و گوزن‌های وحشی در کوه‌ها پنهان است. (آرس) پسر جنگجو و دلیر (زئوس) که شکافنده سپر‌ها لقب دارد و اغلب مورد خشم پدر فرمانروای ابرها قرار می‌گیرد و سر-انجام (آفرودیت) خدای عشق و دلدادگی و فریبائی است.

حماسه های زیبای هومر در هدایت افکار مردم یونان و ایجاد نوعی وحدت و یگانگی در مذهب و فرهنگ آنان بسیار مؤثر بوده است اما فلاسفه یونان با هومر در مورد خدایان موافق نبودند نگارنده در مقاله ای از نوشته های خود زیر عنوان وحدت وجود در مجله پیام بدیع یاد آوری نمودم که فلاسفه یونان به وحدت وجود معتقد بودند و این ذات اصلی را گاهی آب و زمانی خاک و وقتی آتش می دانستند یکی از دانشمندان می گوید بوجود آورنده این خدایان تصور می نمایند خدایان آنها مثل انسان زائیده شده و بهمین جهت برای آنها صورت و صوت قائل شده و به آنها لباس می پوشانند در حالیکه این نوع از خدایان زائیده فکر و خیال ما انسانهاست که همه چیز را شبیه خود می دانیم در این مورد حدیثی از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که فرموده است مورچگان تصور می کنند خدای آنها دارای دو شاخک است زیرا داشتن آن نزد مورچگان کمال وجود است بهر حال مذهب عامه مردم یونان در پرتو افکار فلاسفه و دانشمندان آن سر زمین از مراحل اولیه بدوی به مراحل عالیتر رسید.

دین و آئین رومیان باستان - رومیان بعکس یونانی ها دارای هیچ گونه تاریخ اساطیری در مورد خدایان خود نبوده و هیچگونه نسب نامه فامیلی و ازدواجی بین خدایان آنها وجود داشته است افسانه های پهلوانی و پهلوان پرستی در دین رومیان راهی نداشت و هرگز افسانه خلقت و مرگ را برای خود نساختند خدایان قدیم روم عبارت بودند (ژونو) (ونوس) (آپولو) (مرکوری) و ژوپیترا که بمعنی پدر آسمانی بود و در زبان لاتین این نام مترادف با قادر متعال و خدای رعد و برق و باران است و مریخ و الهه کرینوس خدایان جنگ شمرده می شدند. مذهب رومیان زیر تأثیر سایر مذاهب نیز قرار گرفت و چون مذهبی را که سیاسیون مذهب رسمی روم قرار داده بودند مردم را راضی نمی کرد

کیش و آئین مهر پرستی و آئین میترا که در ایران بود در روم هم انتشار یافت و عده زیادی به آن آئین گرویدند. پنجاه تا یکصد و پنجاه سال قبل از میلاد مسیح آگوستوس قیصر روم دو باره اعمال مناسک مذهبی فراموش شده رومیان را رونق بخشید قیصر به این فکر افتاد برای حفظ منافع سیاسی خویش آئینی برقرار سازد تا او را در سراسر روم مانند خدایان ستایش نمایند بنا بر این معبدی بنام پدر خوانده خود (ژولیوس سزار) تأسیس نمود زیرا ژولیوس سزار در سال ۴۲ قبل از میلاد از مجلس سنای روم عنوان «لوهیت و خدائی گرفته بود از آن زمان عبادت امپراطور یا قیصر پرستی در روم آغاز گردید، پس از مرگ آگوستوس او در زمره خدایان شمرده می شد و معبد خاص پرستش او همچنان باقی مانده بود. سرانجام تمامی این ادیان و خدایان افسانه ای و گوناگون در روم و مصر و یونان و بین النهرین چون پایه و اساس الهی نداشتند بمرور زمان از میان رفتند و ظهوری جدید و آئینی نوین که بمراتب عمیق تر جدید تر و ساده تر بود بوقوع پیوست این آئین نو ظهور دیانت الهی حضرت مسیح (ع) بود که رابطه ای معنوی بین مردم و خدای یگانه ایجاد نموده بود.

ادامه از صفحه ۲۴

اقبال استقلال ایران « دانسته اند و در ضمن مکتوب خود عبارتی بس عالی و کلماتی بس متین مرقوم فرموده که ملت ایران باید آنرا با آب طلا بنویسند.....» از احبای عزیزی که نام مجتهد فوق الذکر را می دانند و به جریده چهره نمای آن زمان دسترسی دارند متمنی است مجله را آگاه فرمایند.

برگزیده ای از کتاب آبر عاشقان دنیا سروده: م - ه - آشفته

## عشق

صخره سیمرغ بود راه عشق  
در ره نیل به هدف سردهد  
حاکم بر کشور دلهاست عشق  
حاصل عمرش همه بیهوده گئیست  
نیست دگر صحبت بود و نبود  
از سخن دشمن و توهین ناس  
بی شک و تردید ز سر میبرد  
وز سخطش نیست بدل اضطراب  
هر چه بلا هست بجان میخرد  
تا که بدست نخلد خار عشق  
کی شوی آگاه ز اسرار عشق  
جدول بی حل معماست عشق  
سوخت در آتشکده نار عشق  
عقل شود طعمه بگرداب عشق  
هر چه که دل خواست شود مستجاب  
گر نهر اسد ز بر و بحر عشق  
نوش کند ساغر پُر زهر عشق  
آنچه که عاشق طلبد آن شود

بیشه شیر است گذر گاه عشق  
هر که در این راه قدم بر نهد  
پادشاه گنبد میناست عشق  
آنکه به محراب دلش عشق نیست  
عشق چو شد بافته در تار و پود  
عاشق سر گشته ندارد هراس  
عشق چو آمد همه عقل و خرد  
راه بود صخره و یا گرد آب  
سر بسر دار عدم میبرد  
تا ننهی پای به گلزار عشق  
تا نشوی مشتعل از نار عشق  
ورطه بی ساحل دریاست عشق  
هر که گذر کرد ز دیوار عشق  
عشق چو بنشست به محراب دل  
نیست دگر جای سوال و جواب  
آنکه گذر می کند از شهر عشق  
جانزند از غم و از قهر عشق  
حل مسائل همه آسان شود

خانم دلیله ثابت (طبیعی)

ادامه مطالب پیشین

## سیر موسیقی در ایران

و در دنباله مطلب تأکید می فرمایند: هر طفلی باید قدری موسیقی بداند زیرا بدون اطلاع از این هنر لذت واقعی از الحان و نعمات خوش میسر نخواهد گشت. ایضاً می فرمایند: لازم است که در مدارس موسیقی تعلیم داده شود تا روح و قلب محصلین مستبشر گردد.

۵ - حضرت عبد البهاء در یکی از الواح می فرمایند: شکر کن خدا را که موسیقی آموختی و می توانی بلحنی خوش به تمجید و تحلیل حی قیوم به پر دازی من از برای تو بدرگاه احدیت دعا می کنم.

۶ - در گفتگو بر سر میز غذا در عکا در جولای ۱۹۰۹ راجع به تأثیر نطق و خطابه پس از استماع موسیقی می فرمایند: موسیقی اگر چه امری مادی است ولی تأثیر شدید در روحانیات دارد. اگر کسی بخواهد خطابه ای ایراد کند پس از استماع نعمات موسیقی خطابه او مؤثر تر خواهد بود.

۷ - حضرت عبد البهاء در تلیف موسیقی و آیات الهی می فرمایند: اگر چه موسیقی وسیله مؤثری برای تربیت و تکامل بشر است ولی نیل به هدف بوسیله تعالیم الهیه است و موسیقی مانند بلوری است که کاملاً صاف و صیقلی مثل یک جام پاکیزه که در مقابل است و تعالیم و بیانات الهیه مانند آب. وقتی بلور در نهایت پاکی و آب در نهایت تازگی و شفافیت آنوقت می تواند حیات بخش باشد.

۸ - در بیان ذیل با اشاره به ماهیت موسیقی تکلیف ما در زمینه سرودن شعر و قواعد آن روشن می سازند (موسیقی چیست؟ موسیقی ترکیبی از اصوات موزون. شعر چیست؟ شعر بکار بردن کلمات موزون و مقفی. بنا بر این موسیقی و شعر بعلت هم آهنگی و وزن مقبول طبع هستند و کلام منظوم بمراتب مؤثر - تر از کلام منثور است زیرا ترکیب دقیق تر اثر عمیق تر دارد.) پس مشخص شد

که شعر یعنی بیانی مقفی و موزون و ما با این همه محور شعری وقت را صرف بلند و کوتاه کردن اوزان و بهم ریختن قوافی و درهم ریختن معانی می‌کنیم که شنونده نمی‌داند بدنبال وزن بدود یا عقب قافیه بگردد یا معنی را جستجو کند و مجبور هم هست آن را بنام شعر قبول کند. بهر حال ما این جا بخشی در مورد شعر نداریم.

۹ - حضرت عبدالیهاء، در شیکاگو در لوحی خطاب به خانم لوئیزوایت می‌فرمایند: ای مرغ خوش الحان، جمال ابهی در این دور بدیع حجاب اوهام را خرق نموده و تعصبات اهل شرق را ذم و قدح فرموده. در میان بعضی ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم ولی در این دور بدیع که نور مبین در الواح مقدس بتصریح فرموده: که آهنگ و آواز زرق روحانی قلوب و ارواح است. فن موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه. پس ای شهناز (۱) به آوازی جان فزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل بخوان و به آهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان به هیجان آید و تبتل و تضرع به ملکوت ابهی کند و علیک البها، الابهی ع ع  
ادامه دارد

(۱) - شهناز لقب عنایتی به لوئیزوایت می‌باشد.

با پوزش بسیار از خانم دلیله ثابت (طییبی) و خوانندگان عزیزاستدعا دارد این قسمت را بر مقاله پیشین بیفزائید

۳ - در مورد وظیفه اولیاء، در آموزش موسیقی باطفال می‌فرمایند (علموا ذریاتکم ما تنزل من سماء العظمته لیقرئوا الواح الرحمن باحسن الاحان) که مضمون آن آن چنین است (بیاموزید فرزندانان را آنچه نازل شده از آسمان تا آنکه بخوانند الواح پروردگار را به زیباترین لحن‌ها).

جناب دکتر حسین رستگار اعلی الله مقامه  
ادامه مطالب پیشین

## فلسفه اعداد و حرمت تقدیس اعداد

قبل از تفسیر ایندو بیان شایسته است که ذکر فی فشرده از تقسیمات فلسفه ارائه شود.

فلسفه به دو قسمت کلی تقسیم می شود: حکمت نظری - حکمت عملی  
حکمت نظری سه علم مهم را در بر می گیرد: حکمت (طبیعی (علم ازلی) -  
حکمت ریاضی (علم اوسط) حکمت الهی (علم اولی)  
حکمت عملی نیز سه علم مهم را در بر می گیرد: علم اخلاق - علم جامعه  
شناسی - سیاست مدّن (علم سیاست).

اکنون متوجه می شویم که بیانات جمال ابهی به حکمت الهی راجع می گردد زیرا علوم منشعب از حکمت کلی همگی مورد انتفاع انسان است. اما در حکمت الهی آنچه از لفظ شروع و به لفظ ختم می شود منظور مبارک بحث های جدلی طولانی و بیفایده طلاب علوم دینی در شرق و شاگردان مدارس دینی مسیحی اسکولاستیک در قرون تاریک وسطی در غرب بوده است که جز اتلاف وقت استاد و شاگرد مورث هیچگونه نفعی نبوده و نیست. بنا بر این تحصیل حکمت الهی بشرطی بلامانع است که موجب اتلاف عمر در راه بحث و جدل بیفایده نگردد. بدین مناسبت اگر حکمت الهی در راه و مسیر اصلی بکار گرفته شود البته علمی آموزنده و عمیق است. خوانندگان ارجمند مستحضر می باشند که اغلب کتب و الواح الهی مشحون از اصطلاحات فلسفی است. از آثار قلم اعلی کتاب ایقان - هفت وادی - چهاروادی - کلمات مکنونه - لوح حکمت ..... و بسیاری از الواح عربی و فارسی دیگر و از آثار مرکز میثاق: مفاوضات - مکاتیب - خطابات ..... بنا بر این بنظر نگارنده این سطور مسلماً تلاوت آثار مبارکه در هر حال جذبه و حلاوتی بسزا دارد ولی آگاهی از مقدمات

فلسفه اعداد و بحث در نظریه فیثاغورث حکیم: فلسفه یونان قبل از افلاطون مانند آناکسی مین ANAXIMENE و آناکسی ماندر ANAXIMANDRE و تالس TALES و هراکلیت HERACLITE و فیثاغورث PYTHAGRES که همگی ایونی IONIE یعنی از مهاجرنشین های یونانی در سواحل جنوبی آسیای صغیر (ترکیه فعلی) و تابع شاهنشاهی ایران بودند هر یک فرض و اندیشه ای نسبت به اصل و مید، دنیا داشته اند: آناکسی مین هوا را ماده اولیه و آناکسی - ماندر APERON یعنی بیکران را، تالس آب و هراکلیت آتش و بالاخره پی تاگور یا فیثاغورث عدد را اصل و مبداء گیتی شمرده اند که برای توجیه هر کدام توضیحی لازم، که از حوصله این مقال خارج است. از جمله این حکماء در سده ۶۰۰ قبل از میلاد فیثاغورث حکیم و ریاضی دان معاصر کورش بزرگ است که کلمه فیلسوف یا دوستدار دانش اندیشه والای اوست، این حکیم بزرگوار اصل وجود را عدد پنداشته و همه امور را نتیجه ترکیب اعداد و نسبت های آن دانسته و گویا بر این امر واقف یا ملهم بوده که ترکیب صوتها و زیر و بم آنها در تولید نغمات موسیقی تابع تناسبات عددی است. و علوم ریاضی و نجوم متکی بر آن و فی الجمله نظام عالم بدان استوار می باشد. بنا بر این عدد را حقیقت اشیاء و واحد را حقیقت عدد می داند و آنرا از زوجیت و فردیت و وحدت و کثرت بری و فارغ از جسم و ماده فرض و بدینوسیله راهی بسوی مبداء لایفهم و لایدرك گشوده است. در شرح حال این حکیم گرانمایه آمده است که بایران و هندوستان و مصر و اراضی مقدسه سفر کرده و از دانشمندان این ممالک بهره ها اخذ نموده است. باری در عقیده فیثاغورث حکیم که اصل دنیا را عدد یعنی حقیقتی لاشیئی مع کل شیئی دانسته رموز و حقایقی نهفته که مختصراً بحث میگردد:

الف - بحث کلی و اهمیت و عصمت عدد یک

۱ - منظور فیثاغورث بنظر چنین می رسد که ۱ - ۲ - ۳ ..... خالق دنیا نیستند

ادامه در صفحه ۵۶

خانم دکتر فرخ - ز  
ادامه مطالب پیشین

## بودا باوری در ایران و آسیای میانه

اگر چه این روایات ارزش چندانی ندارند، اما گویای اخبار و نتایجی هستند که تا کنون غیر از آن تصور می‌شد. بدین ترتیب معلوم می‌گردد که آئین بودا در دوران کاناشیکابه آن حد از رواج و گسترش رسید که پیش از آن هیچگاه بدان دست نیازیده بود. افزون بر این راهبان بودایی نام آور بر گزیده شدند تا برای نشر آموزه های بودا به نواحی گوناگون روند. یکی مأمور کشمیر و گندهاره شد، و دیگری به سوی نواحی یونانی رفت.

در سر زمین کوشانیان، اقوام مختلفی بویژه قبایل و گروههای متعدد ایرانی همراه با یونانیان و هندیان در کنار هم می‌زیستند. یونانیان از زمان حمله اسکندر مقدونی به شرق یعنی از قرن چهارم قبل از میلاد به این طرف در بلخ و گندهاره حضور خود را نشان دادند. اما قبایل سکایی مدتی بعد، یعنی در قرن دوم پیش از میلاد به این نواحی رخنه کردند. بسیاری از دانشمندان در این نکته هم رأی هستند که نفوذ هنر یونانی در سبک هنر بودایی ناحیه گندهاره که به گندهاره ای شهرت دارد، به دلیل ستاهل خاص مذهبی اقوام ساکن این نواحی بوده است.

پیکر تراشی بودا را می‌توان برجسته ترین و بارزترین ویژگی این سبک دانست، زیرا پیکره وی از ورای توانایی و قدرت اندیشه هنرمندان اش سنجیده می‌شد و ترسیم یک چرخ یا گردونه، تنها مفاهیم رمزی را در بر داشت. نکته درخور توجه دیگر جلوه گر ساختن باورهای عامیانه بودایی در این سبک هنری است. برای نمونه صحنه ای عادی همچون پیشکش کردن غذابه بودا از سوی دو برادر بازرگان به نامهای تریپوسه *Trapusa* و بلیکه *Bhallika* بارها به تصویر کشیده شده است. در یکی از این تصاویر در نقش برجسته متعلق به

قرن دوم پیش از میلاد در شترک Shotorak ریش و لباسهای این دو برادر مشخص می کند که دو هندوی سکایی بوده اند.

آیین مربوط به بودی ستوه Bodhisattva، موجوداتی که از روی نظم برای رسیدن به اشراق یا روشن شدگی یعنی به بودایی و بودائیت می کوشند و از پیش بدان رسیده اند اما رفتن به نیروانۀ اسیتا یعنی نیروانۀ پس از مرگ شان را به تأخیر می اندازند تا همه موجودات آزاد شوند، از همان ابتدا در هنر گندهاره ای باز تاب یافته بود. صرف نظر از پیکره بودی ستوه، میتریه Maitreye، در سال ۱۹۷۷ میلادی از ناحیه Mathura پیکره ناقصی از بودا آمیتابه Amitabha پیدا شد که از روی کتیبه همراه آن تاریخ پیکره مذکور به سال ۱۰۶ میلادی بر می گردد.

میان پژوهندگان بر سر زمان و مکان پیدایش شاخه مهاییانۀ آیین بودایی این اتفاق نظر وجود ندارد در حدود چهار صد سال پس از درگذشت بودا، شکل تازه ای از آیین بودا در هند پیدا شد که نام مهاییانه را بر خود نهاد که به معنای ارا به بزرگ است (برای گذشتن از بیابان رنج). این آیین راههای نوی برای رهایی انسان می دهد و بدین سان این مقصد عالی را در دسترس انسانهای بیشتری قرار می دهد تا آیین کهن تر بودایی، و نام تحقیر آمیز هینه یا ارا به کوچک برای آن بدین سبب است. آن گونه که پیروان مهاییانه می گویند هینه یانه صرفاً یک بخش مقدماتی تعلیم بوداست و شنودگان پیشین او پیروانی بودند که به تمرکز دست نیافته و فقط توانایی دریافت بخشی از تعلیم او را داشتند. بر عکس پیروان هینه یانه، مهاییانه را کجروی از تعلیم بودایی دانند. دلایل بسیاری وجود دارد که این فرقه در قرن اول میلادی و در محیطی چند فرهنگی و قومی همچون گندهاره سر بر آفتاب ساییده است. اگر چه ترسیم نقش بودا در شکل انسانی، بطور قطع نفوذ هنر یونانی را مدلل می سازد، با این حال این نگرش با تعلیمات بودایی فرقه مهاییانه که بودای شاکيامونی معروف را صرفاً یکی از چند بودا ها می داند،

سازگار و همگون است.

گمان می رود که گسترده نفوذ کوشانیان از مرزهای شمالی گذشته و خوارزم و سغد را نیز در بر گرفته بود. لیکن بنظر می رسد این دو ناحیه هیچگاه واقعاً تحت پوشش سلطه کوشانیان در نیامده بودند، زیرا در نواحی مزبور آثار زیادی از آیین بودایی متعلق به دوران کوشانی وجود ندارد. یافته های باستان شناسی بدست آمده از ورخشا Varkhasha در نزدیکی بخارا و نیز در شهر افراسیاب و پنجیکنت نزدیک سمرقند، همگی غیر بودایی هستند و این در حالی است که معابد و اماکن بودایی در نقاط شرقی تر قرار دارند مانند آجینه تپه Ajina نزدیک کورگان تیوبه Kurgan Tyube در کووه Kuva در فرغانه، و در اک بشیم Ak Beshim نزدیک فرونزه Frunze که همگی آنها به قرن هفتم یا هشتم تعلق دارند. بدین ترتیب اماکن و جاهای باستانی نزدیک سمرقند و بخارا روشن می سازند که آیین بودا حتی در قرنهای یاد شده نیز به آسانی نتوانست پیرامون پایتخت کوشان جای باز کند. هسوان - تسانگ Hsuan - tsang به حضور کم رنگ آیین بودایی در سمرقند قرن هفتم اشاره می کند، ولی با وجود گفته وی مبنی بر تغییر آیین در این ناحیه هنگامیکه یک زائر کره ای که تنها از صورت چینی نامش بصورت هوئی چائو Huei - Chao آگاهیم، در قرن هشتم از سمرقند دیدار کرده بود، یاد می کند که فقط یک صومعه دور افتاده بودایی و راهبی تنهادر آنجا می بیند.

ادامه دارد

از خانم منیژه مودت (قبله)

## یادی از گذشته های خوش

مجله محبوب و وزین پیام بدیع ضمن عرض تشکر و امتنان از زحمات مستمر و مخلصانه آن هیئت محترم خادمان آن مجله وزین چند خاطره از زمانی که افتخار عضویت در لجنه محترم هدایت زائران شرق و غرب را در مدینه منوره شیراز داشتم خدمتتان تقدیم می‌دارم امید است مورد قبول واقع گردد. باید متذکر شوم چنانچه تمام این خاطرات به یادم می‌ماند چون کتابی خواندنی می‌شود ولی حیف و صد حیف که با گذشت زمان و انقلابات و تحولاتی که اتفاق افتاد بر اثر ناراحتی های فکری اکثر آنها به بوته فراموشی سپرده شد. من دارای آلبومی بودم متجاوز از دویست عکس از زائران شرق و غرب همراه با نوشته ای از خاطرات و احساساتشان پس از زیارت اماکن متبرکه که در حيفا - شیراز و طهران که متاسفانه در دوران انقلاب و پس از مصادره اموال آن هم به تاراج رفت. این آلبوم چنان نفیس و دیدنی بود که بزرگترین مبلغ صامت و نشانه ای از عظمت امر جمال مبارک بود که چگونه از سراسر عالم از هر نژاد و ملیتی از کشور آلاسکا گرفته کشور تبسوانا در افریقا در نهایت خلوص و ایمان و تواضع بوسه بر خاک پله های مبارک شیراز زده و چه اشکهای صاف همچون درّ غلطنی در آن بیت مقدس به خاک ریخته شد. وظیفه لجنه هدایت زائران در آن زمان این بود که زائرانی را که از کشور - های مختلف به شیراز وارد وی شدند ابتدا توسط دو یا سه نفر از اعضا، لجنه در فرود گاه مورد استقبال و خوش آمد قرار می گرفتند. سپس آنهائی که از استطاعت مالی بر خوردار بودند در هتل های رزرو شده ساکن و اگر مایل به رفتن به هتل نبودند به اطاق مخصوص زائران که در حظیره القدس شیراز با همت و کمک مالی چند نفر از احباء آماده شده بود رفته و یا در منزل احباء

مستقر می گردیدند. از دیگر وظائف لجنه بردن زائران به بیت مبارک شیراز و سایر اماکن مقدسه و نقاط دیدنی چون تخت جمشید و مقبره های خواجه حافظ شیرازی و سعدی و مساجد مختلف از جمله مسجد وکیل، بازار شیراز و هم چنین برای کسانی که مایل بایراد نطق بودند تشکیل دادن کنفرانس و بیوت تبلیغی .... من این افتخار را داشتم که در طول چندین سال حد اقل پذیرائی دویست نفر از زائران در منزلمان باشم. از جمله این افراد می توان جناب اولینگا و قرینه محترم، جناب دکتر پیتر خان و دکتر جانت خان و جناب سهیل و همسرشان، جناب پیتر دوگل منشی محفل ملی استرالیا و خانواده بسیاری دیگر..... اینک چند خاطره از آن زمان:

یکی از زائرینی که افتخار سعادت دیدار و ملاقاتشان را داشتم خانمی بود در حدود شصت سال با چشمانی تنگ و کشیده و قامتی کوچک و موهای سپید از قبایل اسکیمو. از التهاب و شوق و ذوق او پس از زیارت ارض اقدس و بیت مبارک هر چه بگویم کم گفته ام. این بانوی نورانی هر اندازه که از مواهب روحانی بر خوردار بود ولی بعلت مشکلات مالی نتوانسته بود برود می گوید آنقدر دعا و مناجات کردم چون آرزوی دیدار این مقامات متبرکه را داشتم تا آنکه یک روز تلفن منزل ما بصدا در آمد و فردی گفت که ما شنیده ایم شما پالتوی پوست می توانید بدوزید چند نفر دانشمند برای کارهای علمی و تحقیق و اکتشاف به اینجا می آیند اگر تعهد کنی که سر وقت سه پالتو به ما تحویل بدهی کار را به تو می دهیم. مدت یک ماه روز و شب سوزن در دستم بود شوق رفتن باعث شده بود که خیلی سریع کار را تحویل دهم و از فضل جمال مبارک بهای بلیط هواپیما و سفرم تأمین شد و بالاخره اراده جمال - مبارک تعلق گرفت که برای بار چهارم امال و آرزویم به تحقق پیوندد. این بانوی بزرگوار همواره تسبیحی در دست داشت و بیشتر مواقع آن را در نهایت احترام روی قلبش نگاه می داشت. از ایشان پرسیدم چگونه است که

شما یک لحظه این تسبیح را از خود جدا نمی کنید. ایشان با تبسمی گفتند که حضرت عبدالبهاء فرمودند که اوّل کسی که از قبایل اسکیمو به شرف ایمان فائز گردد این تسبیح را به ایشان عنایت کنید. سالهای بعد گویا تسبیح توسط حضرت روحیه خانم به ایشان یا همسرشان که جزء اولین مصدقین قبیله اسکیمو ها بودند اهداء شد. بعد بمن گفتند حالا میدانی چرا این تسبیح تا به این اندازه برای من عزیز است! چون هدیه عبدالبهاء به من است.

خاطره دیگر مربوط به سفر دکتر پیتر خان و سرکار خانم جانت خان قرینه محترمشان. در آن زمان جناب دکتر پیتر خان مشاور قاره ای و همسرشان رئیس محفل ملی استرالیا بودند از آنجا که منزل ما در ناحیه باغ ارم و نزدیک به دانشگاه بود اغلب تشکیلات دانشگاهی و دعاهای سحری در آن منزل بر قرار بود لذا پس از تشریف فرمائی جناب پیتر خان و خانمشان قرار شد که جلسه ای برای دانشجویان داشته باشیم. بنده یک خانم آمریکائی را می شناختم که معتقد به دیانت مسیحی و از مرومون ها بود این خانم ها جهت تبلیغ خانم های دانشگاهی هفته ای یک روز ما را جهت صرف چای به منزلش دعوت می کرد. با آنکه از میزان تعصب آن خانم آگاهی داشتیم از ایشان دعوت کردم که در این جلسه شرکت کنند در نهایت تعجب من ایشان دعوت حقیر را بر خلاف انتظار قبول کردند. پس از اختتام جلسه این خانم محترم بقدری تحت تأثیر بیانات خانم دکتر جانت خان قرار می گیرند که از من تقاضای مطالعه چند کتاب امری می نمایند (مطمئن هستم سرکار خانم از اثر گفتارشان بر روی این خانم و نتیجه آن آگاه نیستند). از بر قراری جلسه چند سالی نگذشته بود که یک روز جهت معاینه پزشکی و کامل کردن مدارک برای رفتن به استرالیا به بیمارستان نمازی شیراز رفته بودم زیرا همسرم قرار بود برای یکسال از طرف دانشگاه به مرخصی مطالعاتی بروند و این درست یکی دو سال قبل از انقلاب ایران بود این خانم عزیز را در راهرو

بیمارستان دیدم، به من گفتند شنیده‌ام به استرالیا می‌روی حتماً برای خدمت و مهاجرت و نشر دیانتتان با شرمندگی گفتم ای کاش برای مهاجرت بود ولی متأسفانه رفتن ما برای استفاده از مرخصی مطالعاتی است. ایشان مکشی کرده و به من گفتند نینا (منیژه) وظیفه تو مهم است، تبلیغ کن تبلیغ، بهترین گنجینه دنیا را در دست داری اگر این کار را نکنی پشیمان خواهی شد من واقعاً شکه شده بودم که چگونه این خانم مسیحی مؤمن و معتقد تا حد تعصب به من می‌گوید برو و تبلیغ دیانتت را بکن. رو به ایشان کرده و در حالت تعجب گفتم نمی‌توانم باور کنم که شما به من می‌گوئید بروم تبلیغ کنم چطور شد که این حرف را زدید. ایشان به من گفتند پس از شنیدن نطق جانت خان مطالعه کتب امری در سفری که برای دخترم به آمریکا داشتم به چند بیت تبلیغی رفتم. طرز فکرم به گذشته خیلی فرق کرده

ادامه دارد

ادامه از صفحه ۴۹

بلکه جهان متشکل از آنهاست. زیرا آنچه وجود دارد یا احساسی و یا ادراکی است و ایندو و حتی معنویات تابع کم و کیف یعنی مقدار و کیفیت می‌باشند. کم و زیادی احساس و ادراک معلوم است در معنویات هم فی‌المثل یکی را دوست می‌داریم، بدیگری عشق می‌ورزیم و آن دیگری را می‌پرستیم ایرج میرزا می‌سراید:

خدا را پرست و پدر را ستای      ولی جان بقربان مادر نمای

ادامه دارد

خانم دلیله ثابت (طبیعی)

## نخستین ها

نخستین مدرسهٔ تابستانه ایران در حدیقهٔ الرحمن - در سالیان قبل از بنیان مدرسه تابستانه در حدیقه‌گه گاه جلساتی یکروزه بنام کلاس تابستانه تشکیل می شد در نقاط مختلف در خارج از شهر طهران و احباً بالاخص جوانان با اشتیاق گرد هم جمع می شدند و روزی را بشادی سپری می کردند و از محضر استادان کسب فیض می نمودند ولی دائمی و منظم نبود.

پس از آنکه محفل مقدس روحانی ملی در نظر گرفتند محلی دائمی برای این منظور که تشکیل مدرسه تابستانه منظم و متشکل را در برگیرد تهیه شود. زمینی بنام حدیقه که بوسیله جناب جلال اساسی بخاطر حفظ از تصرف حکومت وقت (زمین های محدوده نشده را) چینه گذاری شده بود بهمت جناب سید محسن اساسی برای ایجاد مدرسه تابستانه به تشکیلات امری هدیه گردید.

پس از محدود کردن و دیوار کشی آن با تشکیل لجنه ملی مدارس تابستانه و تحت اشراف آن لجنه فعالیت برای ساختمان اصلی و کلی مدرسه در قسمت علیای زمین شروع گردید.

مقدمتاً برای شروع در ساختمان قدیمی که در ابتدای ورودیه آن زمین موجود بود. مدرسه تابستانه افتتاح گردید ساختمان از ایوانی کشاب در قسمت جلو ساختمان و دو سالن وسیع شرقی و شمالی و مشتقات و ملحقات لازم تشکیل می شدو سالن شمالی محل تشکیل کنفرانس ها و تدریس اساتید و سالن شرقی برای صرف نهار و شام اختصاص داشت در محوطه وسیع پشت ساختمان زیر سایه چند درخت کهنسال و در کنار جوی آبی با حرکت و صدائی ملایم برای جلسات عصرانه حالتی روحانی و شاعرانه داشت و در زیر درختانی که در اطراف ساختمان وجود داشت چادر هائی برای شرکت

کنندگان (عکس شماره یک) بر پا شده بود و یک چادر هم برای استراحت اساتید محترمی که برای تدریس روزانه شرکت می نمودند در نظر گرفته شده بود. در هر دوره یکی از اساتید محترم برای تمام مدت در مدرسه شرکت می نمودند که جواب گوی معضلات شرکت کنندگان در شبانه روز باشند و در این دوره متصاعد الی الله دانشمند محترم جناب احمد یزدانی و خانم برای این منظور حضور داشتند (عکس شماره ۲) البته کلاسهای که در این محدوده تشکیل شد از نظر امکانات زیست بسیار ناقص بود ولی روحانیت و علاقه و شوق احباء جبران نقصان امکانات را می نمود. در هر شروعی قدم‌های اولیه دارای نواقصی می باشد که بامید آینده بهتر مورد غمض عین قرار می گرفت. اساتید محترمی که در این دوره از محضرشان استفاده می گردید جنابان عباس علوی مبلغ شهیر، شعاع الله خان علائی و عزت الله ذبیح و شهید مجید بختآور که جدیداً موفق بایمان شده بود و سری پر شور و بیانی مستدل و قاطع بر اخلاص و ایمان داشت که شنونده را مجذوب خویش می نمود. (عکس شماره ۳) نظامت و اداره جلسات درس این دوره با خانم وحیده ثابت (مقربی) و نظارت و نظامت کلی بعهدده شهید مجید تیمسار عطاالله مقربی بود. این روش تا اتمام ساختمان های جدید در قسمت علیای زمین ادامه داشت. ساختمانهای جدید شامل آمفی تاتر وسیع و خوابگاههای متعدد، سالن نهار خوری و آشپزخانه کامل با کلیه امکانات رفاهی بود.

مدارس شبانه چندین دوره هفتگی در تعطیلات تابستان تشکیل می شد و پس از آن در طول سال برای دوره های اماء الرحمن دوره های فامیلی و جلساتی دیگر و کانوشن ها مورد استفاده قرار می گرفت. احباء بالاخص دوستان شهرستان ها استقبالی پر شور از این مدارس می نمودند و در آخر هفته با دستی پر از یاد داشت ها و خاطرات به زادگاه خویش باز می گشتند.

ادامه دارد

(7)



شماره فکس ۵۱۴۳۳۲۱۷۴

## معرفی کتاب

کتاب سرطان، علل بروز و چگونگی پیش گیری، چاپ دوم. جناب پرو فسور پرویز قدیریان استاد دانشکده پزشکی دانشگاه مونترآل در تغذیه و استاد دانشگاه مک گیل در رشته سرطان شناسی مؤسس و رئیس واحد اپیدمیولوژی مرکز تحقیقات پزشکی دانشگاه مونترآل کانادا هستند که چاپ دوم کتاب سرطان علل بروز و چگونگی پیش گیری را که با چاپ اول تفاوت چشم گیری از نظر تازه های پزشکی در مورد بیماری سرطان دارد به خانواده و همه عزیزانی که نگران سلامت خود و جگر گوشگان خویش هستند تقدیم داشته اند، این کتاب در ۲۱۵ صفحه شامل ۶ فصل آماده است بدین طریق:

### پیش گفتار

- فصل اول - خلاصه ای در مورد سرطان و علل بروز و چگونگی پیش گیری.
- فصل دوم - سیگار بزرگترین عامل بیماریها و مرگ و میر هائی زود رس آینده، مصرف سیگار و اثرات آن و سلامتی و اقتصاد جهان پاسخ به پرسش - های مطرح شده در مورد سیگار.
- فصل سوم - سرطان های اندام های گوناگون بدن.
- فصل چهارم - روش های درمان سرطان.
- فصل پنجم - تغذیه و سرطان.
- فصل ششم - پاسخ به پرسش هائی که غالباً در مورد سرطان مطرح می شود. تهیه و استفاده از این کتاب توصیه می شود.

FAX 514-323-2174



***PAYAM - I - BADI***

**VOLUME 26  
NOS: 5 - 6**

**MAY-JUNE  
2008**

## پیام بدیع

سال بیست و ششم

سال ۱۶۵ بدیع

۱۳۸۷ شمسی

۲۰۰۸ میلادی

نشانی پیام بدیع

برای ارسال حق اشتراک  
نامه ها - مقاله ها - پیشنهادها  
و تغییر آدرس پستی مشترکان

PAYAM - I - BADI  
P.O. BOX 698  
CLIFTON, NJ 07012  
U.S.A

حضرت امة البهاء روحیه خانم ابادی  
عزیز امرالله در کتاب بی نظیر گوهر  
یکتا در باره علاقه شدید حضرت ولی  
امرالله به افزایش هر چه بیشتر  
انتشارات مرقوم فرموده اند:

«... نوشتن و نشر کتب و آثار امریه  
دائماً مورد علاقه شدید وجود  
مبارک بود در این سبیل هر چه  
اقدام می فرمودند هرگز خسته نمی  
شدند و دائماً حامی این شعبه از  
خدمات بودند و آن را همه جا و  
همه وقت حمایت می فرمودند ...  
چنانکه در حساب هندوستان ملاحظه  
کنید در یک سال هزار لیره برای  
نشریات مرحمت فرمودند ...»

قابل توجه: حق اشتراک سالیانه برای  
امریکا و کانادا ۳۵ دلار امریکائی و دیگر  
کشورها ۴۰ دلار امریکائی.  
ابتدای هر سال میلادی اشتراک تجدید  
می گردد.

## مشترکان عزیز پیام بدیع

- ۱ - با پرداخت مرتب حق اشتراک به ادامه حیات و بهبود «پیام بدیع» کمک نموده، خادمان مجله را مرهون عنایت خود فرمایید.
- ۲ - تغییر نشانی را فوری اطلاع فرمایید زیرا پست ارزان Bulk-Mail با تغییر آدرس مجله را به مبدأ برنمی گرداند و به دور می اندازد.

*Payam*  
*Payam-i-Badi*

*-i-*

*Badi*

PAYAM-I-BADI P.O.BOX 698 CLIFTON NJ 07012 U.S.A.